

شناسایی اصول تربیتی نامه‌ی سی و یکم نهج البلاغه

احسان پوراسماعیل^۱

مهری زارعی^۲

چکیده:

تربیت فرزند یکی از مهمترین رسالت های والدین و حقوق فرزند بر والدین است که تأثیرات آن در تمامی عمر فرد با وی همراه است، بی شک هر پدر و مادری برای تربیت فرزندان خود نیازمند کسب اطلاعاتی در خصوص فرزندپروری هستند، مقاله حاضر با هدف شناسایی اصول تربیتی نامه سی و یکم نهج البلاغه و با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه ای انجام شده است، نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از این است که اصول تربیتی مندرج در نامه سی و یکم نهج البلاغه عبارتند از « رعایت حدود الهی، عبرت از گذشتگان با تامل و تفکر در تاریخ گذشتگان، توجه به پند و اندرز، عدم توجه به هوای نفس، امر به معروف با دست و زبان، تحمل سختیها و پرورش صبر و پایداری در راه حق، توکل و پناه به خدا بردن، رعایت عدل و انصاف در کسب مال و زندگی، رعایت واقع نگری در زندگی، صله ارحام، رعایت حقوق زنان، حفظ زبان و گفتار، استغنا و بی نیازی از مردم».

واژگان کلیدی: اصول تربیتی، نامه سی و یکم نهج البلاغه، تربیت از دید حضرت علی علیه السلام.

^۱ استادیار مؤسسه آموزش عالی آرمان رضوی، dr.ehsanpouresmaeil@gmail.com

^۲ نویسنده‌ی مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات دانشگاه بین المللی امام رضا(ع)،
mehri.zaree.63@gmail.com

طرح مساله

امام علی(علیه السلام) در توضیح آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِکُمْ نَاراً»، (تحریم، ۶) می فرماید: خود و خانواده و فرزندان را تعلیم خیر دهید و آنان را تربیت کنید تا از آتش جهنم حفظ شوید (طباطبائی [بی تا]، ج ۱۹، ص ۶۸۹). تربیت یعنی فراهم آوردن زمینه ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعداد های انسان در جهت مطلوب (شکوهی یکتا، ۱۳۶۲ ش، ص ۴). تربیت با توجه به اراده، آزادی، آگاهی و استقلال فرد، کمک کننده به رشد اوست. این را می توانیم برای معنای تربیت در نظر بگیریم. تربیت پرورش دادن استعدادهاست. استعداد هایی که بالقوه در یک جاندار وجود دارد و به وسیله تربیت باید آن ها را به فعلیت در آورده و رشد داد و از همین جا معلوم می شود که تربیت باید تابع فطرت موجود باشد و نمی شود موجود را برخلاف فطرت آن رشد داد. این نوع تربیت را در خصوص انسان از طریق علم اخلاق انجام می دهد در واقع تربیت انسانی یعنی رشد اخلاقی انسان بر مبنای نظارت او (مطهری، ۱۳۹۱ ش، ص ۷۷۶). تربیت دینی یعنی شناخت آموزه های دین، تبدیل این شناخت ها به باورهای قلبی و به کار بستن این باورها در رفتارهای فردی و اجتماعی. تربیت دینی بدین ترتیب، هم به جهان بینی و مبانی اعتقادی و باورهای انسان نظر دارد و هم به اصول و ارزش های اخلاقی، حقوقی، سیاسی و نظایر آن ها متکی است. به عبارتی، تربیت دینی هم با اندیشه و نظر فرد و هم با اخلاق و عمل او کار دارد (پورطهماسبی، ۱۳۹۱ ش). امام خمینی (ره) در بیان مفهوم تربیت دینی می فرماید: «شکوفایی فطرت و حصول اخلاق کریمه». چنانکه حضرتش فرمود: «علم میراث گران بهایی است و تربیت و آداب ارزشمند اخلاقی، لباس فاخر و زینتی است» و نیز «هیچ ثروتی چون عقل نیست و هیچ فقری چون جهل نمی باشد و هیچ میراثی چون ادب و تربیت نخواهد بود» (شریف الرضی، ۱۳۸۷ ش).

مباحث تربیتی یکی از بنیادی ترین مباحث، علوم انسانی، و یکی از ارزنده ترین مباحث اجتماعی، سیاسی است که با بسیاری از مباحث دیگر رشته های علوم ضروری، ارتباط تنگاتنگ دارد و در اخلاق سازندگی، خود سازی و جامعه سازی، گاهی به عنوان پایه های اساسی، و زمانی به عنوان نتیجه و ره آوردها، این قبیل از مباحث ارزشمند انسانی، اجتماعی مورد ارزیابی قرار می گیرد. پس توجه به الگوهای رفتاری امام علی علیه السلام برای مبارزان و دلاورانی که با نام او جنگیدند و با نام او خروشدند و هم اکنون در جای جای زندگی در صلح و سازندگی در جنگ و ستیز با دشمن در خودسازی و جامعه سازی و در همه جا به دنبال الگوهای کامل روانند، بسیار مهم و سرنوشت ساز است تا در تداوم راه امام علیه السلام بجوشند و در همسویی با امیر بیان کوشند که با پیامبر اسلام فرمود آنان که از علی علیه السلام پیروی کنند اهل نجات و بهشتند (دشتی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲).

در طول تاریخ، همیشه اندیشه های اندیشمندان بزرگ، مورد توجه و تأمل اهل نظر بوده و همواره سعی شده است تا از خرمن انبوه تفکر و تعمق آن ها، توشه ای برداشته شود که پشتوانه حرکت در مسیر زندگی و حل سریع تر و صحیح تر مشکلات باشد. اولیای خاص و معصومان که حدود شئونشان از قدر عقل بشری بیرون است، برتر از همه اندیشمندان اند و سزاوارترند تا چراغ جاودانی هدایت را در راه طالبان حقیقت برافروزند و جان آنان را به نور الهی روشنی بخشند. امام علی بن ابیطالب علیه السلام در زمره این معصومان جلیل است که افکار بلند او، پیسوته مورد بحث و تدقیق بوده است. اگرچه این نامه، خود به تنهایی گواه وسعت نظر و دقت کاتب آن می باشد، اما با توجه به شرایط خاص زمانی و موقعیت ویژه صاحب آن، عظمت اثر بیش تر جلوه گر می شود و همین شکوه ماورای انسانی است که باعث شده است نهج البلاغه و از جمله نامه ۳۱ آن، موضوع تحقیق، تفسیر و ترجمه مکرر و مداوم عالمان در طول تاریخ قرار گیرد (خدایاری، ۱۳۹۴ش، ص ۳۵۲).

در اهمیت و ارزش تربیت همین بس که قرآن کریم محور دعوت پیامبران را عموماً و پیامبر عظیم الشان اسلام را خصوصاً تربیت فضائل اخلاقی قرار داده است و این از موضوعاتی است که جامعه بشری از همان روزگار نخستین حیات به آن نیاز داشته و روز به روز با توسعه زندگی اجتماعی و علمی و سیاسی این نیاز بیشتر شده است .

چنانکه هم اکنون در بیشتر جوامع بشری مشاهده می کنیم به همان نسبت که علوم طبیعی و مادی رونق پیدا کرده و زندگی بجانب ماشینی و صنعتی و توسعه یافته است . خود انسان از اصول و مبانی تربیت و از فضائل انسانی دور مانده است علت امر آن است که علم را از ایمان و تقوا جدا نمودند و تعلیم را از تربیت و تزکیه بی نیاز دانستند (ابراهیمی و مرادی، ۱۳۹۷ش، ص ۳۵).

تربیت فرزند یکی از مهمترین رسالت های والدین و حقوق فرزند بر والدین است که تاثیرات آن در تمامی عمر فرد با وی همراه است، بی شک هر پدر و مادری برای تربیت فرزندان خود نیازمند کسب اطلاعاتی در خصوص فرزندپروری هستند، اگرچه عصر کنونی، عصر ارتباطات نام نهاده شده و یکی از علل آن ارتباطات میان فرهنگی و تاثیر و تاثرات فرهنگ های گوناگون بر یکدیگر است، این امر اگرچه به ذاته پدیده ای مذموم نبوده و حتی گاهی سبب پیامدهای مثبت و مطلوب است، اما در برخی موارد توأم با پیامدهای نامطلوب بوده است. یکی از پیامدهای نامطلوب این امر، دور شدن آنان از اسلام ناب بوده است.

اگرچه که اسلام یک دین کامل است و برای تمامی عرصه های زندگی بشر برنامه داشته و هیچ حوزه ای را نمی توان نام برد که اسلام برایش برنامه نداشته باشد، با این وجود در عصر حاضر توجه به اصول اسلامی تربیتی

کمرنگ ترشده است. نظام عقیدتی اسلام به عنوان کامل ترین نظام عقیدتی جهان، دارای است، در میان این منابع

پربار، نهج البلاغه که حاوی نظام اعتقادی و بینشی حضرت علی (علیه السلام) است، مورد توجه دانشمندان مسلمان

و حتی غیر مسلمان قرار گرفته است و به طور خاص، نامه ۳۱ نهج البلاغه که خطاب حضرت به فرزند برومندشان

است، منشأ بسیاری از تعالیم قرار گرفته است (قره داغی شیخدری، ۱۳۹۴ش، ص ۱۰).

نهج البلاغه حاوی مضامین و معانی گرانقدری است که حضرت علی (علیه السلام) بادرایتی خاص در خطبه ها و

نامه های خود آن ها را به کاربرده و نه تنها مخاطب ایشان مسلمان ۱۴۰۰ سال قبل که حتی مسلمان امروزی و نسل

های بعدی است، از این روی استخراج این مضامین می تواند چراغ راهی برای بشر باشد، نامه ۳۱ نهج البلاغه که به

طور خاص به تربیت جوانان اختصاص دارد، در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته و تلاش می شود اصول تربیتی

آن استخراج گردند.

در دو دهه اخیر با عنایت به نظریه روانشناسان رشد و متخصصان تعلیم و تربیت، توجه به کودکان و نوجوانان نقش

پر رنگی به خود گرفته است با این وجود شناخت مضامین تربیتی و ارائه نظام نامه ای تربیتی بر اساس دیدگاه های

حضرت علی (علیه السلام) می تواند ما را در انتخاب بهترین، مؤثرترین و مفیدترین شیوه های تربیتی یاری می دهد.

مقوله تربیت از اساسی ترین و نخستین نیازهای زندگی بشری است و نه تنها تربیت لازمه جدایی ناپذیر زندگی که

متن آن بوده و بلکه زندگی، از گهواره تا گور جلوه هایی از آن است. تربیت به طور خلاصه عبارتست از پرورش و

رشد دادن استعدادهایی که آفریدگار جهان جهت سعادت و کمال انسان در وجود او به ودیعت گذاشته است، در باب

اهمیت و ارزش تربیت همین بس که قرآن کریم محور دعوت پیامبران را عموماً و حضرت محمد صلوات الله علیه خصوصاً تربیت قرار داده است (قره داغی شیخی، ۱۳۹۴ ش، ص ۱). از این روی می توان گفت نهج البلاغه «یک نظام قانونمند تربیتی اسلامی از نهج البلاغه قابل استخراج است که مقدمه آن ایمان و تقوا و عاقبت آن کمال انسان است». در نتیجه، افراد در فرایند تعلیم و تربیت دینی، به گونه ای تربیت می شوند که به فرموده حضرت علی علیه السلام همچون درخت بیابانی در مقابل تند باد ها استقامت میورزند. (طاهریان، ۱۳۸۰، ش، ص ۱۶۰). از این روی در این مقاله تلاش می شود تا با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی و ارجاع به کتاب نهج البلاغه و نامه ۳۱، به صورت تحلیل محتوا، به استخراج مضامین تربیتی در نامه پرداخته شود و این مضامین به صورت کاربردی برای تربیت فرزند در عصر حاضر بومی سازی شوند.

بررسی پیشینه ها

دلشاد تهرانی در کتاب مکتب مهر اصول تربیتی را از دیدگاه امام علی (علیه السلام) اینگونه بیان می کند «اصل اعتدال، اصل تدرج و تمکن، اصل تسهیل و تیسر، اصل زهد، اصل تعقل، اصل تفکر، اصل تدبیر، اصل کرامت، اصل عزت» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸ ش).

مقاله ای با عنوان «روش های تعلیم و تربیت در نامه ۳۱ نهج البلاغه امام علی (علیه السلام) به امام حسن مجتبی»، توسط مردانی و محمودی نگاشته شده است، یکی از اهداف این مقاله ارائه راهکار جهت تغییر برنامه درسی دوره های تحصیلی آموزش و پرورش بوده است.

پایان نامه ای با عنوان «بررسی جلوه های بلاغت در نامه ۳۱ نهج البلاغه» (۱۳۹۳ ش) توسط جمشیدی تدوین شده است، در این پژوهش سعی شده است نامه ۳۱ نهج البلاغه به عنوان نمونه ای از این مجموعه ی نفیس براساس قواعد بلاغت در ۲ محور بیان و بخشی از بدیع مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این پایان

نامه مشخص می شود که استعاره بیشترین بخش این نامه را به خود اختصاص داده است. آن حضرت از انواع شیوه های بیانی و بدیعی اعم از استعاره، اقتباس، تشبیه، جناس، سجع، کنایه و... برای بیان حقایق بلند و حکمت های ژرف و معارف ناب در قالبی خیال انگیز بهره جسته است.

پایان نامه ای توسط محمد قاسمی (۱۳۹۲ش) با عنوان «میزان توجه به مولفه های تربیتی مطرح در نامه ۳۱ امام علی (علیه السلام) در کتب درسی تعلیمات اجتماعی» مرقوم شده است. در این پژوهش از روش توصیفی به منظور مشخص کردن مولفه های تربیتی نامه ۳۱ در کتب درسی و نیز روش تحلیل محتوا به منظور تحلیل کتب درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان داده است: میزان توجه به مولفه های تربیتی نامه ۳۱ حضرت علی (علیه السلام) در کتب تعلیمات اجتماعی پایه اول، ۲۰/۹۵ درصد بوده است و میزان توجه به مولفه های تربیتی نامه ۳۱ حضرت علی (علیه السلام) در کتاب تعلیمات اجتماعی پایه دوم ۶۸،۶ درصد و در کتاب پایه سوم ۴/۸۰ درصد بوده است. از مهم ترین یافته های این پژوهش این بود که در کتب مورد بررسی میانگین میزان همخوانی ۱۰/۱۴ درصد بوده است که در این بخش ها نشان از توجه ضعیف و اندک به مولفه های تربیتی نامه ۳۱ حضرت علی (علیه السلام) بوده است.

پایان نامه کارشناسی ارشد عصاره (۱۳۹۲ش) با عنوان «تحلیل محتوای کتابهای مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی دوره متوسطه بر اساس آراء تربیت اجتماعی نامه ۳۱ نهج البلاغه» انجام شده است، هدف تحقیق، تحلیل محتوای کتابهای مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی دوره متوسطه بر اساس آراء تربیت اجتماعی نامه

۳۱ نهج البلاغه بوده است. روش جمع آوری اطلاعات، مطالعه و کتابخوانی به روش تحلیل محتوا بوده و از ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که: میزان توجه محتوای کتابهای مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی دوره متوسطه به آراء تربیت اجتماعی نامه ۳۱ نهج البلاغه، در قسمت متن، فعالیت ها، تصاویر و جداول، با میانگین کلی زیر ۵ درصد، تألیف گردیده است. که این درصد در مباحث بسیار مهمی همچون: امر به معروف و نهی از منکر، دوستیابی، همسریابی، شغل مناسب و موارد مشابه، نزدیک به صفر و یا حتی صفر می باشد. پایان نامه ای با عنوان «تحلیل محتوای کتاب های مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی دوره متوسطه بر اساس آراء تربیت اجتماعی نامه ۳۱ نهج البلاغه» توسط قربانی (۱۳۹۲ ش) تدوین شده است، هدف تحقیق حاضر، تحلیل محتوای کتابهای مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی دوره متوسطه بر اساس آراء تربیت اجتماعی نامه ۳۱ نهج البلاغه می باشد. روش تحقیق در این پژوهش کاربردی، توصیفی از نوع تحلیل محتوا می باشد. جامعه آماری پژوهش کتابهای مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی دوره متوسطه، در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ می باشد. در این تحقیق حجم نمونه برابر با حجم جامعه انتخاب گردیده است و به منظور اعتباریابی ابزار تحقیق و روایی صوری از دیدگاه های صاحب نظران تعلیم و تربیت استفاده شده است و پایایی پژوهش نیز با توجه به فرمول پایایی هولستی محاسبه گردیده که بر اساس این فرمول، ضریب توافق بین کدگزاران، ۹۴٪ به دست آمده است. روش جمع آوری اطلاعات، مطالعه و کتابخوانی به روش تحلیل محتوا بوده و از ابزار تحقیق محقق ساخته استفاده شده است. داده

های حاصل از تحلیل محتوا با استفاده از شاخصهای آمار توصیفی، فراوانی و درصد فراوانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به سوالات تحقیق که بر اساس هدف تحقیق طراحی گردیده، یافته های پژوهش نشان می دهد که: میزان توجه محتوای کتابهای مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی دوره متوسطه به آراء تربیت اجتماعی نامه ۳۱ نهج البلاغه، در قسمت متن، فعالیتها، تصاویر و جداول، با میانگین کلی زیر ۵درصد، تالیف گردیده است. که این درصد در مباحث بسیار مهمی همچون: امر به معروف و نهی از منکر، دوستیابی، همسریابی، شغل مناسب و موارد مشابه، نزدیک به صفر و یا حتی صفر می باشد. مقاله «اهداف و اصول تربیت معنوی بر اساس آموزه های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه» عنوان مقاله ای است از یداللهی فر و همکاران فقیهی (۱۳۹۷ش)، در این مقاله نیز تعدادی از اصول تربیتی در نهج البلاغه استخراج شده اند. در این پژوهش با تکیه بر روش تحلیل اسنادی و تحلیل مضمون، تربیت معنوی، اهداف و اصول آن را بر اساس آموزه های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده است و تلاش نموده این اصول در کتب درسی به کار رود و مطالعه تطبیقی آن با سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی آموزش و پرورش انجام گیرد. مقاله «نظام تربیت اخلاقی در نامه ۳۱ نهج البلاغه» توسط رستمی، بهشتی و ایمانی (۱۳۹۷ش) مرقوم شده است، یافته های این تحقیق نشان می دهد نظام تربیت اخلاقی در نامه ی ۳۱ نهج البلاغه، دارای چهار بنیاد توحید، ضعف آدمی، فطرت و معاد است، و هدف غایی تربیت اخلاقی در این نامه «تخلق به اخلاق الهی» و هدف های

واسطه ای برای تحقق آن، شناخت خدا، خودسازی، تقوا، زهد، صبر، التزام به امر الهی و یاد خداوند است اصول تربیت اخلاقی استنباط شده از نامه مذکور عبارتند از: کرامت، تفاوت های فردی، اعتدال، تعقل، تفکر و تدبیر؛ و در نهایت روش های تربیت اخلاقی در نامه یادشده شامل تذکر، موعظه، ارائه ی الگو، محبت، عبرت آموزی، توبه، و مراقبه و محاسبه است.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیق نظری می باشد و روش بکارگرفته شده در این تحقیق نظری به صورت توصیفی - تحلیلی می باشد که برپایه مطالعات کتابخانه ای و روش فیش برداری استوار است . سعی و تلاش محقق براین است که با استفاده از نهج البلاغه، روش های تربیتی از منظر امام علی (علیه السلام) را یافته استخراج گردد. متن نامه حضرت امیرالمومنین(علیه السلام)

بحث

براساس نامه ۳۱ نهج البلاغه می توان مضامین والای تربیتی را به شرح ذیل بیان نمود:

❖ نوشتن و مکتوب کردن سخنان به فرزندان

مِنْ الْوَالِدِ الْفَانِ، الْمُقَرِّ لِلزَّمَانِ، الْمُدَبِّرِ الْعُمَرِ، الْمُسْتَسْلِمِ لِلدُّنْيَا، السَّائِكِ مَسَاكِنَ الْمَوْتَى، وَالظَّاعِنِ عَنْهَا غَدًا؛

این نامه از سوی پدری (دلسوز و مهربان) است که عمرش رو به پایان است، او به سخت گیری زمان معترف و آفتاب زندگیش رو به غروب (و خواه ناخواه) تسلیم گذشت دنیا (و مشکلات آن) است، همان کسی که درمنزلگاه پیشینیان که از دنیا چشم پوشیده اند سکنی گزیده وفردا از آن کوچ خواهد کرد.

حضرت با تدوین نامه نه تنها باعث فراموش نشدن وصایای خود شدند که امکان خواندن چندباره نامه و سخنان خود را فراهم نمودند این نکته می تواند تاثیر تکرار در تربیت را نمایان سازد.

امام علی (علیه السلام) سعی کردند با توجه به تجربه هایی که در زندگی کسب کردند مسایل تربیتی را به فرزند خود آموزش دهند.

❖ تحذیر فرزند از آمال دست نیافتنی

إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤْمِلِ مَا لَا يَدْرِكُ، السَّالِكِ سَبِيلَ مَنْ قَدْ هَلَكَ، غَرَضِ الْأَسْقَامِ، وَ رَهِينَةِ الْأَيَّامِ، وَ رَمِيَةِ الْمَصَائِبِ، وَ عَبْدِ الدُّنْيَا، وَ تَاجِرِ الْغُرُورِ،

این نامه به فرزندی است آرزومند، آرزومند چیزهایی که هرگز دست یافتنی نیست و در راهی گام نهاده است که دیگران در آن گام نهادند و هلاک شدند (و چشم از جهان فرو بستند) کسی که هدف بیماری ها و گروگان روزگار، در تیررس مصائب، بنده دنیا، بازرگان غرور،

و غَرِيمِ الْمَنَايَا، وَأَسِيرِ الْمَوْتِ، وَخَلِيفِ الْهُمُومِ، وَقَرِينِ الْأَحْزَانِ، وَنُصَبِ الْأَقَاتِ، وَصَرِيحِ الشَّهَوَاتِ، وَخَلِيفَةِ الْأَمْوَاتِ.

بدهکار و اسیر مرگ، هم پیمان اندوه ها، قرین غم ها، آماج آفات و بلاها، مغلوب شهوات و جانشین مردگان است.

حضرت به فرزند خود یادآور شدند که دنیا دوستی سبب هلاکت است. امام علی (علیه السلام) می فرمایند از دنیا بر حذر کنید که غیر از هلاکت و نابودی هیچ ثمره ای برای انسان ندارد.

❖ توجه به آخرت

أَمَّا بَعْدُ، فَإِنْ فِيمَا تَبَيَّنَتْ مِنْ إِدْبَارِ الدُّنْيَا عَنِّي، وَجُمُوحِ الدَّهْرِ عَلَيَّ، وَإِقْبَالِ الْآخِرَةِ إِلَيَّ، مَا يَزَعُنِي عَنْ ذِكْرِ مَنْ سِوَايَ، وَالْإِهْتِمَامِ بِمَا وَرَائِي،

اما بعد (از حمد و ثنای الهی) آگاهیم از پشت کردن دنیا و چیره شدن روزگار و روی آوردن آخرت به سوی من، مرا از یاد غیر خودم و توجه به دنیا و اهل آن باز داشته است.

طبق فرمایش امام علی (ع) دنیا تمام شدنی ولی آخرت ماندگار است و ما باید لحظه به لحظه به مرگ و آخرت توجه داشته باشیم .

❖ مذمت هوای نفس

غَيْرَ أَنِّي حَيْثُ تَفَرَّدَ بِي دُونَ هُمُومِ النَّاسِ هَمَّ نَفْسِي، فَصَدَقَنِي رَأْيِي، وَصَرَفَنِي عَنْ هَوَايَ، وَصَرَحَ لِي مَحْضُ أَمْرِي، فَأَفْضَى بِي إِلَى جِدِّ لَا يَكُونُ فِيهِ لَعِبٌ، وَصِدْقٌ لَا يَشُوبُهُ كَذِبٌ.

این توجه سبب شده اشتغال به خویشتن مرا از فکر مردم (و آنچه از دنیا در دست آنهاست) باز دارد و از هوای نفس مانع شود و حقیقت سرنوشت را برای من روشن سازد و همین امر مرا به مرحله ای رسانده که سراسر جدی است و شوخی در آن راه ندارد، سراسر راستی است و دروغ به آن آمیخته نیست.

طبق فرمایش حضرت علی (علیه السلام) غفلت از یاد خدا، فراموش کردن نعمتها، باعث پیروی از هوای نفس می شود .

❖ موعظه فرزند در عین رافت و ابراز علاقه

وَجَدْتُكَ بَعْضِي، بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي، حَتَّى كَأَنَّ شَيْئاً لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي، وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي، فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي، فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي مُسْتَظْهِراً بِهِ إِنَّ أُنَا بَقِيْتُ لَكَ أَوْ فَنَيْتُ.

و چون تو را جزیی از وجود خود، بلکه تمام وجود خودم یافته ام گویی که اگر ناراحتی به تو رسد، به من رسیده و اگر مرگ دامت را بگیرد دامن مرا گرفته، به این جهت اهتمام به کار تو را اهتمام به کار خود یافته ام، از این رو این نامه را برای تو نوشتم تا تکیه گاه تو باشد خواه من زنده باشم یا نباشم.

حضرت فرزندان را مورد موعظه قرار می دهند و تمام دستورات لازم برای رسیدن به آخرت را بیان می دارند .

حضرت با تمام الفت که نسبت به فرزند عزیزشان داشته اند اهم موارد را متذکر می شوند و مسایل اخروی را یادآوری می کنند .

❖ توصیه به تقوای الهی

فَإِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَى بُنَى وَلَزُومِ أَمْرِهِ، وَعِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ، الْإِعْتِصَامِ بِحَبْلِهِ. وَأَى سَبَبٍ أَوْثَقَ مِنْ سَبَبِ بَيْنِكَ وَبَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ.

پسرم! تو را به تقوای الهی و التزام به فرمانش و آباد کردن قلب و روح با ذکرش و چنگ زدن به ریسمان (لطف و عنایت) او توصیه می کنم و کدام وسیله می تواند میان تو و خداوند مطمئن تر از «حبل الله» باشد اگر به آن چنگ زنی و دامن آن را بگیری.
حضرت تقوای الهی را برای تشخیص وجداسازی حق از باطل یادمی کنند که با آن می توانند به خدائزدیک شوند.

❖ توصیه به زنده نگهداشتن قلب

أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ، وَأَمْتَهُ بِالزَّهَادَةِ، وَقَوِّهِ بِالْيَقِينِ، وَنَوِّرْهُ بِالْحِكْمَةِ، ذَلِكَ بِذِكْرِ الْمَوْتِ، وَقَرِّرْهُ بِالْفَنَاءِ، وَبَصِّرْهُ فَجَائِعَ الدُّنْيَا، وَحَذِّرْهُ صَوْلَةَ الدَّهْرِ وَفُحْشَ تَقَلُّبِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ،

(پسرم) قلب خویش را با موعظه زنده کن و هوای نفس را با زهد (و بی اعتنایی به زرق و برق دنیا) بمیران. دل را با یقین نیرومند ساز و با حکمت و دانش نورانی و با یاد مرگ رام نما و آن را به اقرار به فناء دنیا وادار، با نشان دادن فجایع دنیا، قلب را بینا کن و از هجوم حوادث روزگار و زشتی های گردش شب و روز آن را برحذر دار.

حضرت توجه زیادی به زنده نگه داشتن قلب و مواردی که باعث این اهم می شود ریادمی کنند که طی کردن مسیر بندگی و اطاعت از حق می باشد.

❖ توصیه به تفکر در تاریخ

وَاعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِينَ، ذَكِّرْهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ، وَسِرْ فِي دِيَارِهِمْ أَثَارِهِمْ، فَانْظُرْ فِيمَا فَعَلُوا وَعَمَّا انْتَقَلُوا، وَأَيْنَ حَلُّوا وَنَزَلُوا! فَإِنَّكَ تَجِدُهُمْ قَدْ انْتَقَلُوا عَنِ الْأَحْبَةِ، وَحَلُّوا دِيَارَ الْعَرَبِ، وَكَأَنَّكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ صِرْتَ كَأَحَدِهِمْ.

اخبار گذشتگان را بر او (بر نفس خود) عرضه نما و مصایبی را که به اقوام قبل از تو رسیده به او یادآوری کن. در دیار و آثار (ویران شده) آنها گردش نما و درست بنگر آنها چه کردند، از کجا منتقل شدند و در کجا فرود آمدند. هرگاه در وضع آنها بنگری خواهی دید که از میان دوستان خود خارج شدند و در دیار غربت بار انداختند. گویا طولی نمی کشد که تو هم یکی از آنها خواهی شد (و در همان مسیر به سوی آنها خواهی شتافت).

مطالعه تاریخ و رویدادهایی که در گذشته رخ داده است در زمان و مکان های مختلف می باشد سبب می شود که از آنها درس عبرت بگیریم.

❖ توصیه به توجه به آخرت

فَأُصْلِحْ مَثْوَاكَ، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ؛ وَدَعَ الْقَوْلَ فِيمَا لَا تَعْرِفُ، الْخُطَابَ فِيمَا لَمْ تُكَلِّفْ .
وَأُمْسِكْ عَنْ طَرِيقٍ إِذَا خَفَتْ ضَلَالَتُهُ، فَإِنَّ الْكَفَّ عِنْدَ حَيْرَةِ الضَّلَالِ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْاَهْوَالِ .
بنابراین منزلگاه آینده خود را اصلاح کن و آخرت را به دنیا مفروش درباره آنچه نمی دانی
سخن مگو و نسبت به آنچه موظف نیستی دخالت ننما. در راهی که ترس گمراهی در آن
است قدم مگذار چه اینکه خودداری کردن به هنگام بیم از گمراهی بهتر از آن است که
انسان خود را به مسیرهای خطرناک بیفکند.
ماباید راه حق را از باطل تشخیص بدهیم تا وارد راه باطل نشویم و بتوانیم راه صحیح را انتخاب
کنیم .

❖ توصیه به امر به معروف و نهی از منکر و التزام به این دو

وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ، وَانْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَلِسَانِكَ، وَبَايْنُ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ، وَجَاهِدْ
فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَلَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَئِمٍّ . وَخُضْ الْغَمَرَاتِ لِلْحَقِّ حَيْثُ كَانَ، وَتَفَقَّهْ
فِي الدِّينِ، وَعَوِّدْ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ، وَنِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ .
امر به معروف کن تا اهل آن باشی و با دست و زبانت منکر را انکار نما و از کسی که کار بد
انجام می دهد با جدیت دوری گزین. در راه خدا آن گونه که باید و شاید جهاد کن و هرگز
سرزنش سرزنش گران، تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد، در دریای مشکلات هر جا که
باشد برای رسیدن به حق فرو شو. در دین خود تفقه کن (و حقایق دین را به طور کامل فرا
گیر) و خویشتن را بر استقامت در برابر مشکلات عادت ده که استقامت و شکیبایی در راه
حق، اخلاق بسیار نیکویی است.
امر به معروف و نهی از منکر از واجبات و فرائض بسیار مهم می باشد و جزو ضروریات دین می
باشد .

❖ توصیه به توکل

وَأَلْجِئْ نَفْسَكَ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا إِلَى إِلَهِكَ، فَإِنَّكَ تُلْجِئُهَا إِلَى كَهْفِ حَرِيرٍ، مَانِعٍ عَزِيزٍ. وَأَخْلِصْ
فِي الْمَسْأَلَةِ لِلرَّبِّكَ، فَإِنَّ بَيْدَةَ الْعَطَاءِ وَالْجِرْمَانَ، أَكْثَرَ الْإِسْتِخَارَةِ، وَتَفْهَمُ وَصِيَّتِي، وَلَا تَذْهَبَنَّ
عَنْكَ صَفْحًا، فَإِنَّ خَيْرَ الْقَوْلِ مَا نَفَعَ وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَلَا يَنْتَفَعُ بِعِلْمٍ لَا يَحِقُّ
تَعَلُّمُهُ .

در تمام کارهایت خود را به خدا بسپار که اگر چنین کنی خود را به پناهگاهی مطمئن و
نیرومند سپرده ای. به هنگام دعا، پروردگارت را با اخلاص بخوان (و تنها دست به دامان

لطف او بزن) چرا که بخشش و حرمان به دست اوست و بسیار از خدا بخواه که خیر و نیکی را برایت فراهم سازد. وصیتم را به خوبی درک کن و آن را سرسری مگیر، زیرا بهترین سخن دانشی است که سودمند باشد و بدان دانشی که نفع نبخشد در آن خیری نیست و دانشی که سزاوار فراگرفتن نمی باشد سودی ندارد.

توکل به خدا و اعتماد به خدا درامور به عنوان یک ویژگی سودمند در کنار آمدن با مشکلات، مقاومت در برابر یاس و ناامیدی می باشد و سبب پیشرفت انسان می باشد.

❖ اهتمام به هدایت فرزند

أَيُّ بَنِي، إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُنِي قَدْ بَلَغْتُ سِنًا، وَرَأَيْتُنِي أَرْدَادُ وَهْنًا، بَادَرْتُ بِوَصِيَّتِي إِلَيْكَ، وَأُورِدْتُ خِصَالًا مِنْهَا قَبْلَ أَنْ يُعْجَلَ بِي أَجَلِي دُونَ أَنْ أَفْضِيَ إِلَيْكَ بِمَا فِي نَفْسِي، أَوْ أَنْ أَنْقُصَ فِي رَأْيِي كَمَا نُقِصْتُ فِي جِسْمِي، أَوْ يَسْبِقَنِي إِلَيْكَ بَعْضُ غَلَبَاتِ الْهَوَى وَفَتْنِ الدُّنْيَا، فَتَكُونَ كَالصَّعْبِ النَّفُورِ.

پسر! هنگامی که دیدم سن من بالا رفته و دیدم قوایم به سستی گراییده، به (نوشتن) این وصیتم برای تو مبادرت ورزیدم و نکات برجسته ای را در وصیتم وارد کردم مبدا اجلم فرا رسد در حالی که آنچه را در درون داشته ام بیان نکرده باشم و به همین دلیل پیش از آنکه در رأی و فکرم نقصانی حاصل شود آن گونه که در جسمم (بر اثر گذشت زمان) به وجود آمده و پیش از آنکه هوا و هوس و فتنه های دنیا بر تو هجوم آورد و همچون مرکبی سرکش شوی به تعلیم و تربیت تو مبادرت کردم.

حضرت تمام هم و غم خود را راهنمایی فرزند عزیزشان می دانند و نکاتی مهم را برمی شمارند

❖ اهتمام به تربیت در جوانی

وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ. فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يُقْسُو قَلْبُكَ، وَيَشْتَغَلَ لُبُّكَ، لِتَسْتَقْبَلَ بِجِدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُغْيَتَهُ وَتَجَرِبَتَهُ، فَتَكُونَ قَدْ كَفَيْتَ مَثْوَنَةَ الطَّلَبِ، وَعُوفِيَتْ مِنْ عِلَاجِ التَّجَرِبَةِ، فَأَتَاكَ مِنْ ذَلِكَ مَا قَدْ كُنَّا نَأْتِيهِ، وَاسْتَبَانَ لَكَ مَا رَبَّمَا أَظْلَمَ عَلَيْنَا مِنْهُ.

و از آنجا که قلب جوان همچون زمین خالی است و هر بذری در آن پاشیده شود آن را می پذیرد، پیش از آنکه قلبت سخت شود و فکر به امور دیگر مشغول گردد (گفتنی ها را بگو) همه اینها برای آن است که با تصمیم جدی به استقبال اموری بشتابی که اندیشمندان و اهل تجربه تو را از طلب آن بی نیاز ساخته و زحمت آزمون آن را کشیده اند تا نیازمند به طلب و جستجو نباشی و از تلاش بیشتر آسوده خاطر گردی، بنابراین آنچه از

تجربیات نصیب ما شده، نصیب تو هم خواهد شد (بی آنکه زحمتی کشیده باشی) بلکه شاید پاره‌ای از آنچه بر ما مخفی شده (با گذشت زمان و تجربه بیشتر) بر تو روشن گردد. در اینجا حضرت می فرمایند سن جوانی بهترین زمان تعامل فرزند باوالدین می باشد و تأثیرت بسزایی دروی خواهد داشت .

❖ لزوم مطالعه و تعمق در تاریخ

أَيُّ بَنِي، إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمِرْتُ عُمَرُ مِنْ كَانَ قَبْلِي، فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ، فَكَرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ، وَسِرْتُ فِي آثَارِهِمْ، حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ؛ بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمِرْتُ مَعَ أُولِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ، فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدَرِهِ، وَنَفَعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ
پسرم! گرچه من به اندازه همه کسانی که پیش از من می زیستند عمر نکرده‌ام اما در رفتار آنها نظر افکندم و در اخبارشان تفکر نمودم و در آثار بازمانده از آنان به سیر و سیاحت پرداختم تا بدانجا که (بر اثر این آموزش ها) همانند یکی از آنها شدم بلکه گویی بر اثر آنچه از تاریخشان به من رسیده با همه آنها از اوّل تا آخر بوده‌ام (من همه اینها را بررسی کردم سپس) قسمت زلال و مصفای آن را از بخش کدر و تیره باز شناختم و سود و زیانش را دانستم.

سیر در تاریخ و گذشته باعث می شود که انسان با تامل بیشتر به امورات خود بپردازد و سبب موفقیت انسان می شود .

❖ لزوم اهتمام به تربیت فرزند

فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَهُ، وَتَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ، وَصَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ، وَرَأَيْتُ حَيْثُ عَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِي الْوَالِدَ الشَّفِيقَ، وَأَجْمَعْتُ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ وَأَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمَرِ وَمُقْتَبِلُ الدَّهْرِ، ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ، وَنَفْسٍ صَافِيَةٍ.

آن گاه از میان تمام آنها از هر امری گزیده‌اش را برای تو برگزفتم و از میان (زشت و زیبای) آنها زیبایی را برای تو انتخاب نمودم و مجهولاتش را از تو دور داشتم و همان گونه که یک پدر مهربان بهترین نیکی‌ها را برای فرزندش می خواهد من نیز صلاح دیدم که تو را به این وسیله تربیت کنم و همت خود را بر آن گماشتم، چرا که عمر تو رو به پیش است و روزگارت رو به جلو و دارای نیتی سالم و روحی باصفا هستی .

مهم ترین نکات را حضرت به فرزند خود می آموزد و متعهدانه و مسیولانه نکات را برمی شمارند از دیدگاه ایشان فرزندان تربین پذیرند و در رسیدن به بالاترین درجه های معنوی و علمی یاری می رسانند.

❖ تربیت بر مبنای کتاب خدا

وَأَنْ أْتِدْنَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتَأْوِيلِهِ، وَشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ أَحْكَامِهِ، وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ، لِأَجَاوِزَ ذَلِكَ بِكَ إِلَى غَيْرِهِ. ثُمَّ أَشْفَقْتُ أَنْ يَلْتَبَسَ عَلَيْكَ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ فِيهِ مِنْ أَهْوَائِهِمْ وَآرَائِهِمْ مِثْلَ الَّذِي التَّبَسَّ عَلَيْهِمْ

و چنین دیدم که در آغاز، کتاب خدا را همراه تفسیر و اصول و احکامش و حلال و حرام آن، به تو تعلیم دهم و تو را به سراغ چیزی غیر از آن (که ممکن است منشأ گمراهی شود) نفرستم سپس از این ترسیدم که آنچه بر مردم بر اثر پیروی هوا و هوس و عقاید باطل مشتبه شده و در آن اختلاف کرده‌اند، بر تو نیز مشتبه گردد.

قرآن مظهر رحمت و جلوه ربوبیت خداوند و کتاب شناخت و تربیت انسان است و از این طریق انسان راه تعامل و تکامل خود را هموار و زمینه تشکیل زندگی آرمانی خویش را در دو جهان فراهم می سازد.

❖ درخواست از خدا در تربیت فرزند

فَكَانَ إِحْكَامُ ذَلِكَ عَلَى مَا كَرِهْتُ مِنْ تَنْبِيهِكَ لَهُ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ إِسْلَامِكَ إِلَيَّ أَمْرَ لَا أَمَنُ عَلَيْكَ بِهِ الْهَلَكَةَ، وَرَجَوْتُ أَنْ يَوْفِقَكَ اللَّهُ فِيهِ لِرُشْدِكَ، وَأَنْ يَهْدِيكَ لِقَصْدِكَ فَعَهَدْتُ إِلَيْكَ وَصِيَّتِي هَذِهِ.

لذا روشن ساختن این قسمت را بر خود لازم دانستم هرچند مایل نبودم آن (شبیهات) را آشکارا بیان کنم ولی ذکر آنها نزد من محبوب‌تر از آن بود که تو را تسلیم امری سازم که از هلاکت آن ایمن نباشم. امیدوارم خداوند تو را در طریق رشد و صلاح، توفیق دهد و به راهی که در خور توست هدایت کند به همین دلیل این وصیتم را برای تو بیان کردم. ما برای تربیت صحیح و نسل صالح از خداوند متعال و حجت‌های معصوم الهی مدد می گیریم و فرزندان را با خصوصیت عبد صالح داشته باشیم.

❖ لزوم توجه فرزند به رفتار درست والدین

وَأَعْلَمُ يَا بَنِي أَنْ أَحَبَّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ الْإِقْتِصَارَ عَلَى مَا فَرَضَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، وَالْأَخْذُ بِمَا مَضَى عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ مِنْ آبَائِكَ، الصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ، فَإِنَّهُمْ لَمْ يَدْعُوا أَنْ نَنْظُرُوا لِنَفْسِهِمْ كَمَا أَنْتَ نَاطِرٌ، وَفَكَّرُوا كَمَا أَنْتَ مُفَكِّرٌ

پسرم! بدان محبوب‌ترین چیزی که از میان وصایایم باید به آن تمسک جویی، تقوا و پرهیزکاری است و اکتفا به آنچه خداوند بر تو فرض و لازم شمرده است و حرکت در راهی

که پدرانت در گذشته آن را پیموده‌اند و صالحان از خاندانت از آن راه رفته‌اند، زیرا همان گونه که تو درباره خویش نظر می‌کنی آنها نیز درباره خود نظر کرده‌اند و آن گونه که تو (برای صلاح خویش) می‌اندیشی آنها نیز می‌اندیشیدند (با این تفاوت که آنها تجارب خود را برای توبه یادگار گذاشته‌اند)

خصوصیات اعضای خانواده به خصوص والدین می‌تواند رفتار کودک راتحت تاثیر قراردادد اگر محیط پرورش اسلامی باشد به دنبال آن فرزندان باتربیتی اسلامی رشد ونمو می کند.

❖ توصیه به تفکر

ثُمَّ رَدَّهُمْ آخِرَ ذَلِكَ إِلَى الْأَخْذِ بِمَا عَرَفُوا، الْإِمْسَاكِ عَمَّا لَمْ يَكْلَفُوا، فَإِنْ أَبَتْ نَفْسُكَ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ دُونَ أَنْ تَعْلَمَ كَمَا عَلِمُوا فَلْيُكْنِ طَلَبُكَ ذَلِكَ بِتَفْهَمٍ وَتَعْلَمَ، لَا يَتَوَرَّطُ الشَّبَهَاتِ، وَعَلَى الْخُصُومَاتِ.

سرانجام فکر و اندیشه، آنها را به جایی رسانید که آنچه را به خوبی شناخته‌اند بگیرند و آنچه را (که مبهم است و) به آن مکلف نیستند رها سازند .اگر روح و جان تو از قبول آن ابا دارد و می‌خواهی که تا آگاه نشوی اقدام نکنی می‌بایست (از طریق صحیح این راه را بپویی و) این خواسته با فهم و دقت و تعلم باشد نه از طریق فرو رفتن در شبهات و تمسک جستن به دشمنی‌ها و خصومت‌ها.

تفکر کردن هم می‌تواند باعث شقاوت انسان وهم سبب عاقبت بخیری وی شود اگر بتوان ازاین نعمت درمسیر درست والهی استفاده کرد سبب پیشرفت وسعادت خواهدشد اما اگر درمسیر اشتباه استفاده گردد سبب گرفتاری انسان می شود .

❖ استعانت از خدا

وَأَبْدَأْ قَبْلَ نَظَرِكَ فِي ذَلِكَ بِالِاسْتِعَانَةِ بِإِلَهِكَ، وَالرَّغْبَةِ إِلَيْهِ فِي تَوْفِيقِكَ، وَتَرَكِ كُلَّ شَائِبَةٍ أُولَجْتَكَ فِي شُبْهَةٍ، أَوْ أَسْلَمْتَكَ إِلَى ضَلَالَةٍ.

(اضافه بر این) پیش از آنکه در طریق آگاهی در این امور گام نهی از خداوندت استعانت بجوی و برای توفیق، رغبت و میل، نشان ده و از هر گونه عاملی که موجب خلل در افکار تو شود یا تو را به شبهه‌ای افکند یا تسلیم گمراهی کند بپرهیز. تنها صاحب تمام کمالات است و بنابراین فقط از وی باید مدد جست .

خداوند

❖ خضوع در برابر خداوند

فَإِنْ أَيْقَنْتَ أَنْ قَدْ صَفَا قَلْبُكَ فَخَشَعْ، وَتَمَّ رَأْيُكَ فَاجْتَمِعْ، وَكَانَ هَمُّكَ فِي ذَلِكَ هَمًّا وَاحِدًا، فَانْظُرْ فِيمَا فَسَّرْتَ لَكَ، وَإِنْ لَمْ يَجْتَمِعْ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْ نَفْسِكَ، وَفَرَاغَ نَظْرِكَ وَفَكْرِكَ، فَاعْلَمْ أَنَّكَ إِنَّمَا تَخْبِطُ الْعَشَوَاءَ، وَتَتَوَرَّطُ الظُّلُمَاءَ، وَلَيْسَ طَالِبُ الدِّينِ مَنْ خَبَطَ أَوْ خَلَطَ وَالْإِمْسَاكُ عَنْ ذَلِكَ أُمْتَلُّ.

هرگاه یقین کردی قلب و روح صفا یافته و در برابر حق خاضع شده و رأیت به کمال پیوسته و تمرکز یافته و تصمیم تو در این باره تصمیم واحدی گشته (و از هر چه غیر از آن است صرف نظر کرده ای) در این صورت به آنچه برای تو (در این وصیت نامه) توضیح داده‌ام دقت کن (تا نتیجه مطلوب را بگیری) و اگر آنچه را در این زمینه دوست می‌داری (از شرایطی که گفتم) برایت فراهم نشد و فراغت خاطر و آمادگی فکر حاصل نکردی، بدان در طریقی گام می‌نهی که همچون شتری که چشمانش ضعیف است به سوی پرتگاه پیش می‌روی و در میان تاریکی‌ها غوطه‌ور می‌شوی و کسی که گرفتار اشتباه و خلط حق با باطل است نمی‌تواند طالب دین باشد و با این حال اگر وارد این مرحله نشوی بهتر است. خضوع و خشوع انسان را به خداندید می‌کند و فروتنی یکی از صفات بارز مومنان باتقوا است.

❖ توصیه به تفهم

فَتَفْهَمْ يَا بُنَى وَصِيَّتِي، وَاعْلَمْ أَنَّ مَالِكَ الْمَوْتِ هُوَ مَالِكُ الْحَيَاةِ، وَأَنَّ الْخَالِقَ هُوَ الْمُمَيِّتُ، وَأَنَّ الْمُفْنِيَ هُوَ الْمُعِيدُ، وَأَنَّ الْمُبْتَلِيَ هُوَ الْمُعَافِي، وَأَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ لَتَسْتَقِرَّ إِلَّا عَلَى مَا جَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ النِّعَمَاءِ، وَالْإِبْلَاءِ، وَالْجَزَاءِ فِي الْمَعَادِ، أَوْ مَا شَاءَ مِمَّا لَا تَعْلَمُ، فَإِنْ أَشْكَلَ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ عَلَى جَهْلِكَ

پسرم! در فهم وصیتم دقت نما. بدان مالک مرگ همان مالک حیات است و آفریننده، همان کسی است که می‌میراند و فانی کننده هم اوست که جهان را از نو نظام می‌بخشد و بیماری دهنده همان شفا بخش است و دنیا پابرجا نمی‌ماند مگر به همان گونه که خداوند آن را قرار داده است؛ گاهی نعمت، گاهی گرفتاری و سرانجام پاداش در روز رستخیز یا آنچه او خواسته و تو نمی‌دانی (از کیفرهای دنیوی) و اگر درباره فهم این امور (و حوادث جهان) امری بر تو مشکل شد، آن را بر نادانی خود حمل کن (و زبان به اعتراض مگشای). عقل یکی از مواهب الهی و استعداد مخصوصی است که خداوند متعال به انسان عنایت فرموده تا با بکارگیری آن بتواند راه سعادت را بیپیماند. اگر به انسان مشکلی پیش آمد و یانعمتی بداند خداوند بر همه چیز آگاه می‌باشد.

فَإِنَّكَ أَوَّلُ مَا خُلِقْتَ بِهِ جَاهِلًا ثُمَّ عَلِمْتَ، وَمَا أَكْثَرَ مَا تَجْهَلُ مِنَ الْأَمْرِ، يَتَحَيَّرُ فِيهِ رَأْيُكَ، وَيُضِلُّ فِيهِ بَصَرُكَ ثُمَّ تُبْصِرُهُ بَعْدَ ذَلِكَ!

زیرا تو در آغاز خلقت جاهل و نادان بودی و سپس عالم و آگاه شدی و چه بسیار است اموری که هنوز نمی دانی و فکرت در آن متحیر و چشمت در آن خطا می کند ؛اما پس از مدتی آن را می بینی (و از حکمت آن آگاه می شوی). خداوند بر همه چیز آگاه است .

❖ توصیه به تمسک به خدا

فَاعْتَصِمْ بِالَّذِي خَلَقَكَ وَرَزَقَكَ وَسَوَّاهُ، وَلْيَكُنْ لَهُ تَعَبُّدُكَ، وَإِلَيْهِ رَغْبَتُكَ، وَمِنْهُ شَفَقَتُكَ. بنابراین به آن کس که تو را آفریده و روزی داده و آفرینش تو را نظام بخشیده تمسک جوی و تنها او را پرستش کن و رغبت و محبت توتنها به او باشد و تنها از (مخالفت) او بترس.

دست نیاز انسان نباید به هیچ شخصی دراز کند خداوند دستگیر همه چیز می باشد .

❖ تبعیت از رسول خدا

وَأَعْلَمُ يَا بَنِي أَنْ أَحَدًا لَمْ يَنْبِئْ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ كَمَا أَنْبَأَ عَنْهُ الرَّسُولُ (صلی الله علیه وآله) فَأَرْضُ بِهِ رَائِدًا، وَإِلَى النِّجَاةِ فَائِدًا، فَإِنِّي لَمْ أَلِكْ نَصِيحَةً، وَإِنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ فِي النَّظَرِ لِنَفْسِكَ وَإِنْ اجْتَهَدْتَ مَبْلَغَ نَظَرِي لَكَ.

پسرم! بدان هیچ کس از خدا همچون پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) خبر نیاورده (و احکام خدا را همانند او بیان نکرده است) بنابراین او را به عنوان رهبر خود بپذیر و در طریق نجات و رستگاری، وی را قائد خویش انتخاب کن. من از هیچ اندرزی درباره تو کوتاهی نکردم و تو هر قدر برای آگاهی از صلاح و مصلحت خویش کوشش کنی به آن اندازه که من درباره تو تشخیص داده ام نخواهی رسید.

هم در آیات و احادیث به انسان گوشزد شده است که از پیامبر خدا پیروی کنند و سر لوحه خود در زندگی قرار دهند .

❖ خداشناسی

وَأَعْلَمُ يَا بَنِي أَنَّهُ لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكَ لَأَتَتْكَ رُسُلُهُ، وَلَرَأَيْتَ آثَارَ مُلْكِهِ سُلْطَانَهُ، وَلَعَرَفْتَ أَعْمَالَهُ وَصِفَاتِهِ، وَلَكِنَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ، لَا يَضَادُّهُ فِي مُلْكِهِ أَحَدٌ، وَلَا يَزُولُ أَبَدًا وَلَمْ يَزَلْ.

پسرم! بدان اگر پروردگارت شریکی داشت، رسولان او به سوی تو می آمدند و آثار ملک و قدرتش را می دیدی و افعال و صفاتش را می شناختی؛ ولی او خداوندی یگانه است همان گونه که خودش را به این صفت توصیف کرده است. هیچ کس در ملک و مملکتش با او ضدیت نمی کند و هرگز زایل نخواهد شد و همواره بوده است.
هرکسی که خدا را بشناسد، معرفتش کامل می شود و راههای زیادی وجود دارد.

أَوَّلُ قَبْلِ الْأَشْيَاءِ بِلَا أَوَّلِيَّةٍ، وَآخِرُ بَعْدَ الْأَشْيَاءِ بِلَا نِهَآيَةٍ. عَظَمَ عَنْ أَنْ تَثْبُتَ رَبُّوبِيَّتُهُ بِإِحَاطَةِ قَلْبٍ أَوْ بَصَرٍ.

او سرسلسله هستی است بی آنکه آغازی داشته باشد و آخرین آنهاست بی آنکه پایانی برایش تصور شود. بزرگتر از آن است که ربوبیتش در احاطه فکر یا چشم قرار گیرد.
خداوند فنا ناپذیر می باشد و همیشه هست.

فَإِذَا عَرَفْتَ ذَلِكَ فَافْعَلْ كَمَا يُنْبِغِي لِمِثْلِكَ أَنْ يَفْعَلَ فِي صِغَرِ خَطَرِهِ، وَقَلْبِهِ مَقْدَرَتِهِ، وَكَثْرَةِ عَجْزِهِ، وَ عَظِيمِ حَاجَتِهِ إِلَى رَبِّهِ، فِي طَلَبِ طَاعَتِهِ، وَالْخَشْيَةِ مِنْ عِقُوبَتِهِ، وَالشَّفَقَةِ مِنْ سُخْطِهِ: فَإِنَّهُ لَمْ يَأْمُرْكَ إِلَّا بِحَسَنٍ، وَلَمْ يَنْهَكَ إِلَّا عَنْ قَبِيحٍ.

حال که این حقیقت را شناختی، در عمل بکوش آن چنان که سزاوار مانندت دوست از نظر کوچکی قدر و منزلت و کمی قدرت و فزونی عجز و نیاز شدیدت به پروردگارت. در راه اطاعتش بکوش، از عقوبتش برحذر باشو از خشمش بیمناک، زیرا او تو را جز به نیکی امر نکرده و جز از قبیح و زشتی باز نداشته است.

همیشه انسان باید باعث رضایت خداوند شود و اعمالی که باعث ناراحتی و گناه می شود انجام ندهد.

❖ هستی شناختی

يَا بَنِي آدَمَ! قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا، وَزَوَالِهَا وَانْتِقَالِهَا، وَأَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَمَا أَعَدَّ لِأَهْلِهَا فِيهَا، وَضَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ، لِتَعْتَبِرَ بِهَا وَتَحْذَرَ عَلَيْهَا.

فرزندم! من تو را از دنیا و حالات آن و زوال و دگرگونیش آگاه ساختم و از آخرت و آنچه برای اهلش در آن مهیا شده مطلع کردم و درباره هر دو برای مثال هایی زدم تا به وسیله آن عبرت گیری و در راه صحیح گام نهی.

در اینجا حضرت از احوال و اتفاقات در دنیا و آخرت توضیح می دهند و سپس انسان باید بهترین راه که باعث پیشرفتش می شود انتخاب کند .

❖ اهتمام به گردآوری توشه آخرت

إِنَّمَا مَثَلُ مَنْ خَبَرَ الدُّنْيَا كَمَثَلِ قَوْمٍ سَفَرُوا بِهَمِّ مَنْزِلٍ جَدِيدٍ، فَأَمُّوا مَنْزِلًا خَصِيبًا وَجَنَابًا مَرِيعًا، فَاحْتَمَلُوا وَعَثَاءَ الطَّرِيقِ، وَفِرَاقَ الصَّدِيقِ، خُشُونَةَ السَّفَرِ، وَجَشْوَةَ الْمَطْعَمِ، لِيَأْتُوا سَعَةً دَارِهِمْ، وَمَنْزِلَ قَرَارِهِمْ، فَلَيْسَ يَجِدُونَ لَشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَلْمًا، وَلَا يَرَوْنَ نَفَقَةً فِيهِ مَغْرَمًا. وَلَا شَيْءَ أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِمَّا قَرَّبَهُمْ مِنْ مَنْزِلِهِمْ، وَأَدْنَاهُمْ مِنْ مَحَلَّتِهِمْ.

کسانی که دنیا را خوب آزموده اند (می دانند که آنها) همچون مسافرانی هستند که در منزلگاهی بی آب و آبادی وارد شده اند (که قابل زیستن و ماندن نیست) لذا تصمیم گرفته اند به سوی منزلی پر نعمت و ناحیه ای راحت (برای زیستن) حرکت کنند، از این رو (آنها برای رسیدن به آن منزل) مشقت راه را متحمل شده و فراق دوستان را پذیرفته و خشونت ها و سختی های سفر و غذاهای ناگوار را (با جان و دل) قبول نموده اند تا به خانه وسیع و منزلگاه آرامشان گام نهند. به همین دلیل آنها از هیچ یک از این ناراحتی ها احساس درد و رنج نمی کنند و هزینه هایی را که در این طریق می پردازند از آن ضرر نمی بینند و هیچ چیز برای آنها محبوب تر از آن نیست که ایشان را به منزلگاهشان نزدیک و به محل آرامشان برساند.

مردم را نسبت به روز حسرت آگاه می کند و مرگ را یادآور می شوند و سختی های درد دنیا را یادآور می شوند .

وَمَثَلُ مَنْ اغْتَرَبَهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ كَانُوا بِمَنْزِلٍ خَصِيبٍ، فَنَبَّأَ بِهِمْ إِلَى مَنْزِلٍ جَدِيدٍ، فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ إِلَيْهِمْ وَلَا أَفْظَعَ عِنْدَهُمْ مِنْ مُفَارَقَةِ مَا كَانُوا فِيهِ، إِلَى مَا يَهْجُمُونَ عَلَيْهِ، يَصِيرُونَ إِلَيْهِ.

(اما) کسانی که به دنیا مغرور شده اند همانند مسافرانی هستند که در منزلی پر نعمت قرار داشته سپس به آنها خبر می دهند که باید به سوی منزلگاهی خشک و خالی از نعمت حرکت کنند (روشن است که) نزد آنان چیزی ناخوشایندتر و مصیبت بارتر از مفارقت آنچه در آن بوده اند و حرکت به سوی آنچه که باید به سمت آن روند و سرنوشتی که در پیش دارند، نیست.

انسان نباید به خود مغرور شود که باعث هلاکت وی می گردد..

❖ پایبندی به رعایت حقوق دیگران

يَا بُنَيَّ، اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ، فَأَحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَآكِرَةً لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا، وَلَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ، وَأَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يَحْسَنَ إِلَيْكَ
پسرم! خویشتن را معیار و مقیاس قضاوت میان خود و دیگران قرار ده. برای دیگران چیزی را دوست دار که برای خود دوست می داری و برای آنها نپسند آنچه را برای خود نمی پسندی. به دیگران ستم نکن همان گونه که دوست نداری به تو ستم شود. به دیگران نیکی کن چنان که دوست داری به تو نیکی شود.
انسان باید حقوق دیگران را رعایت کند و به گونه ای بادیگران برخورد نماید که توقع دارد دیگران با او رفتار کنند و خود انسان باید پیشقدم باشد.

وَأَسْتَفِيحُ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفِيحُهُ مِنْ غَيْرِكَ، وَأَرْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ، وَلَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، وَإِنْ قُلَّ مَا تَعْلَمُ وَلَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يَقَالَ لَكَ.
آنچه را برای دیگران قبیح می شمری برای خودت نیز زشت شمار. و برای مردم راضی شو به آنچه برای خود از سوی آنان راضی می شوی. آنچه را که نمی دانی مگو، اگر چه آنچه می دانی اندک باشد، و آنچه را دوست نداری درباره تو بگویند، درباره دیگران مگو.

در اینجا همان جمله آنچه برای خود می پسندی برای دیگران هم بپسند می باشد.

❖ اهتمام به انفاق

وَأَعْلَمُ أَنَّ الْأَعْجَابَ ضِدُّ الصَّوَابِ، وَأَفَةُ الْأَلْبَابِ، فَاسْعَ فِي كَدْحِكَ، وَلَا تَكُنْ خَازِنًا لِغَيْرِكَ، وَإِذَا أَنْتَ هَدَيْتَ لِقَصْدِكَ فَكُنْ أَخْشَعَ مَا تَكُونُ لِرَبِّكَ.
(پسرم!) بدان که خود پسندی و غرور، ضد راستی و درست اندیشی و آفت عقل هاست، پس برای تأمین زندگی نهایت تلاش و کوشش را داشته باش (و از آنچه به دست می آوری در راه خدا انفاق کن و) انباردار دیگران مباش. هرگاه (به لطف الهی (به راه راست هدایت یافتی (شکر پروردگار را فراموش مکن و) در برابر پروردگار خود کاملاً خاضع و خاشع باش.
توجه و اهتمام به امور معیشتی فقرا، یتیمان، محرومان و نیازمندان جامعه جایگاه ویژه ای در زندگی ایمه دارد.

❖ پرهیز از مال اندوزی

وَأَعْلَمُ أَنَّ أَمَامَكَ طَرِيقًا ذَا مَسَافَةٍ بَعِيدَةٍ، وَمَشَقَّةَ شَدِيدَةٍ، وَأَنْتَ لَاغْنَى بِكَ فِيهِ عَنْ حُسْنِ الْإِرْتِيَادِ، وَقَدْرَ بَلَاغِكَ مِنَ الزَّادِ، مَعَ خِفَةِ الظَّهْرِ، فَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَى ظَهْرِكَ فَوْقَ طَاقَتِكَ، فَيَكُونُ ثِقْلُ ذَلِكَ وَبَالًا عَلَيْكَ

(فرزندم!) بدان راهی بس طولانی و پر مشقت در پیش داری. در این راه (پر خوف و خطر) از کوشش و تلاش صحیح و فراوان و توشه کافی که تو را به مقصد برساند بی نیاز نیستی، به علاوه باید در این راه سبکبار باشی (تا بتوانی به مقصد برسی) بنابراین بیش از حدِ توانت مسئولیت اموال دنیا را بر دوش مگیر، زیرا سنگینی آن مایه مشقت و وبال تو خواهد بود. انسان باید نسبت به امور مالی باحساسیت بیشتری برخورد داشته باشد که مانع رسیدن به کمال نباشد و موجب دل بستگی انسان نشود.

❖ دستگیری از نیازمندان

وَإِذَا وَجِدْتَ مِنْ أَهْلِ الْفَاقَةِ مَنْ يَحْمِلُ لَكَ زَادَكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَيُؤْفِكُ بِهٍ عَدَا حَيْثُ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَأَغْنِمْهُ وَحَمَلَهُ إِيَّاهُ، وَكَثْرَ مِنْ تَرْوِيدِهِ وَأَنْتَ قَادِرٌ عَلَيْهِ، فَلَعَلَّكَ تَطْلُبُهُ فَلَا تَجِدَهُ وَاعْتَنِمَ مَنْ اسْتَقْرَضَكَ فِي حَالِ غِنَاكَ، لِيَجْعَلَ قَضَاءَهُ لَكَ فِي يَوْمِ عُسْرَتِكَ.

هرگاه در زمانی که قدرت داری نیازمندی را یافتی که می تواند زاد و توشه تو را برای روز رستاخیز تو بر دوش گیرد و فردا که به آن نیازمند می شوی به تو بازپس گرداند، آن را غنیمت بشمار و (هر چه زودتر) و بیشتر، این زاد و توشه را بر دوش او بگذار، زیرا ممکن است روزی در جستجوی چنین شخصی بر آیی و پیدایش نکنی. (همچنین) اگر کسی را پیدا کنی که در حال غنا و بی نیازیت از تو وام بگیرد و ادای آن را برای روز سختی و تنگدستی تو بگذارد، آن را غنیمت بشمار!

از زیباترین خصلت های مومن می باشد و انسان باید به هم نوع خود همیاری داشته باشد.

❖ یاد مرگ

وَأَعْلَمْ أَنَّ أَمَامَكَ عَقَبَةً كَثُودًا، الْمُخِيفُ فِيهَا أَحْسَنُ حَالًا مِنَ الْمُثْقِلِ، وَالْمُبْطِئُ عَلَيْهَا أَفْبَحُ حَالًا مِنَ الْمُسْرِعِ، وَأَنَّ مَهْيَطَكَ بِهَا لَامِحَالَةٌ إِمَّا عَلَى جَنَّةٍ أَوْ عَلَى نَارٍ، فَارْتَدِّ لِنَفْسِكَ قَبْلَ نَزُولِكَ، وَوُطْئِ الْمَنْزِلَ قَبْلَ حُلُولِكَ، «فَلَيْسَ بَعْدَ الْمَوْتِ مُسْتَعْتَبٌ»، وَلَا إِلَى الدُّنْيَا مُنْصَرَفٌ.

(فرزندم!) بدان پیش روی تو گردنه صعب العبوری هست که سبکباران (برای عبور از آن) حالشان از سنگین باران بهتر است، و کندروان وضعشان بسیار بدتر از شتاب کنندگان است و (بدان که) نزول تو بعد از عبور از آن گردنه به یقین یا در بهشت است و یا در دوزخ، بنابراین بیش از ورودت در آنجا وسایل لازم را برای خویش مهیا ساز و منزلگاه را پیش از نزول، آماده نما، زیرا پس از مرگ راهی برای عذرخواهی نیست و نه طریقی برای بازگشت به دنیا (و جبران گذشته).

یادمرگ باعث می شود انسان در دام دنیا نیفتد و همیشه به فکر آخرت خود باشد. راه نجات انسان از دنیا طلبی یاد مرگ می باشد.

❖ توجه به لطف الهی

وَأَعْلَمُ أَنْ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدَّعَاءِ، تَكْفُلَ لَكَ بِالْإِجَابَةِ، وَأَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَهُ لِيُعْطِيَكَ، وَتَسْتَرحِمَهُ لِيَرْحَمَكَ، وَلَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ مَنْ يَحْجُبُكَ عَنْهُ، وَلَمْ يُلْجِئْكَ إِلَى مَنْ يَشْفَعُ لَكَ إِلَيْهِ، وَلَمْ يَمْنَعْكَ إِنْ أَسَأْتَ مِنَ التَّوْبَةِ،

(فرزندم!) بدان آن کس که گنج های آسمان ها و زمین در دست اوست، به تو اجازه دعا و درخواست را داده و اجابت آن را تضمین نموده است، به تو امر کرده که از او بخواهی تا عطایت کند و از او درخواست رحمت کنی تا رحمتش را شامل حال تو گرداند. خداوند میان تو و خودش کسی را قرار نداده که در برابر او حجاب تو شود و تو را مجبور نساخته که به شفيعی پناه ببری و خداوند در صورتی که مرتکب بدی شوی تو را از توبه مانع نشده (و درهای آن را به روی تو گشوده است).

الطاف ویژه الهی بر بندگان بسیار زیاد می باشد و رحمت خداوند همیشه شامل انسان هاست.

❖ خدا شناسی

وَلَمْ يَعْاجِلْكَ بِالنِّقْمَةِ، وَلَمْ يَعْيرَكَ بِالْإِنَابَةِ، وَلَمْ يَفْضَحْكَ حَيْثُ الْفُضِيحَةُ بِكَ أَوَّلَى، وَلَمْ يَشْدِدْ عَلَيْكَ فِي قَبُولِ الْإِنَابَةِ، وَلَمْ يَنَاقِشْكَ بِالْجَرِيمَةِ

در کيفر تو تعجيل نکرده (و آن را به موجب اینکه ممکن است توبه کنی به تأخير انداخته) هرگز تو را به سبب توبه و انابه سرزنش نمی کند (آن گونه که انتقام جویان توبه کاران را زیر رگبار ملامت و سرزنش قرار می دهند) و حتی در آنجا که رسوایی سزاوار توست تو را رسوا نساخته (آن گونه که تنگ نظران بی گذشت فوراً اقدام به رسواسازی و افشاگری درباره خطاکاران می کنند) و در قبول توبه بر تو سخت نگرفته است (آن گونه که معمول افراد کوتاه فکر است) و در محاسبه جرایم تو دقت و موشکافی نکرده (بلکه به آسانی از آن گذشته است).

وَلَمْ يُؤْيِسْكَ مِنَ الرَّحْمَةِ، بَلْ جَعَلَ نَزْوَعَكَ عَنِ الذَّنْبِ حَسَنَةً، وَحَسَبَ سَيِّئَتِكَ وَاحِدَةً، وَحَسَبَ حَسَنَتَكَ عَشْرًا، وَفَتَحَ لَكَ بَابَ الْمَتَابِ، وَبَابَ الْإِسْتِعْتَابِ،

هیچ گاه تو را از رحمتش مأیوس نساخته (هرچند گناه تو سنگین و بزرگ باشد) بلکه بازگشت تو از گناه را حسنه قرار داده (و از آن مهم‌تر اینکه) گناه تو را یکی محسوب می‌دارد و حسنات را ده برابر حساب می‌کند و در توبه و بازگشت و عذرخواهی را (همیشه) به رویت باز نگه داشته به گونه‌ای که هر زمان او را ندا کنی ندای تو را می‌شنود. انسان از خود شناسی به خدا شناسی می‌رسد و خداشناسی راه رسیدن انسان به کمال می‌باشد و بالاترین آرامش ولذت رابه انسان می‌بخشد.

فَإِذَا نَادَيْتَهُ سَمِعَ نِدَاكَ، وَإِذَا نَاجَيْتَهُ عَلِمَ نَجْوَاكَ، فَأَفْضَيْتَ إِلَيْهِ بِحَاجَتِكَ، وَأَبْثُثْتَهُ ذَاتَ نَفْسِكَ، وَشَكَّوْتَ إِلَيْهِ هُمُومَكَ، اسْتَكْشَفْتَهُ كُرُوبَكَ، وَاسْتَعْنَتْهُ عَلَى أُمُورِكَ، وَسَلَّطْتَهُ مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِهِ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَى إِعْطَائِهِ غَيْرُهُ، مِنْ زِيَادَةِ الْأَعْمَارِ، وَصِحَّةِ الْأَبْدَانِ، سَعَةِ الْأَرْزَاقِ.

هرگاه با او نجوا نمایی آن را می‌داند، بنابراین حاجت را به سویش می‌بری و آن چنان که هستی در پیشگاه او خود را نشان می‌دهی، غم و اندوه خود را با وی در میان می‌گذاری و حل مشکلات و درد و رنج خود را از او می‌خواهی، و در کارهایت از او استعانت می‌جویی، می‌توانی از خزاین رحمتش چیزهایی را بخواهی که جز او کسی قادر به اعطای آن نیست مانند فزونی عمر، سلامتی تن و وسعت روزی.

انسان در تمام سختی‌ها و مشکلات به خداوند رجوع می‌کند و اوست که بر همه چیز توانا می‌باشد.

❖ بخشندگی خداوند

ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدَيْكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَدْنَى لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ، فَمَتَى شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالِدَعَاءِ أَبْوَابَ نِعْمَتِهِ، وَاسْتَمْطَرْتَ شَائِبَ رَحْمَتِهِ،

سپس خداوند کلیدهای خزاینش را با اجازه‌ای که به تو درباره درخواست از او عطا کرده، در دست تو قرار داده است پس هرگاه خواسته‌ای داشته باشی می‌توانی به وسیله دعا درهای نعمت پروردگار را بگشایی و باران رحمت او را فرود آوری

خداوند ارحم الراحمین می‌باشد انسان باید همیشه به درگاه خداوند توبه کند تا خداوند اورا ببخشد.

❖ بنده نوازی خداوند

فَلَا يَقْنَطَنَّكَ إِطْءَاءُ إِجَابَتِهِ، فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدْرِهِ النَّيَّةِ، وَرَبِّمَا أُخِّرَتْ عَنْكَ الْإِجَابَةُ، لِيَكُونَ ذَلِكَ أَعْظَمَ لِاجْرِ السَّائِلِ، وَأَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْأَمِلِ. وَرَبِّمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا تُؤْتَاةُ، وَأَوْتَيْتَ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجِلًا، أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ

و هرگز نباید تأخیر اجابت دعا تو را مأیوس کند، زیرا بخشش پروردگار به اندازه نیت (بندگان) است؛ گاه می شود که اجابت دعا به تأخیر می افتد تا اجر و پاداش درخواست کننده بیشتر گردد و عطای آرزومندان را فروز تر کند و گاه می شود چیزی را از خدا می خواهی و به تو نمی دهد در حالی که بهتر از آن در کوتاه مدت یا دراز مدت به تو داده خواهد شد یا آن را به چیزی که برای تو بهتر از آن است تبدیل می کند. دربرآورده شدن حاجات در موعد مقرر همیشه خیری وجود دارد و مصلحت در آن است.

فَلَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكُ دِينِكَ لَوْ أَوْتَيْتَهُ، فَلْتَكُنْ مَسْأَلَتُكَ فِيمَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ، وَيَنْفَى عَنْكَ وَبَالُهُ؛ فَالْمَالُ لَا يَبْقَى لَكَ وَلَا تَبْقَى لَهُ.

گاه چیزی از خدا می خواهی که اگر به آن برسی مایه هلاک دین توست (و خداوند آن را از تو دریغ می دارد و چیزی بهتر از آن می دهد) بنابراین باید تقاضای تو از خدا همیشه چیزی باشد که جمال و زیباییش برای تو باقی بماند و وبال و بدیش از تو برود (و بدان مال دنیا این گونه نیست) مال برای تو باقی نمی ماند و تو نیز برای آن باقی نخواهی ماند! انسان باید در تمام موارد به خدا توکل کند و یاد خدا را در تمام زندگی داشته باشد.

وَأَعْلَمُ يَا بَنِي آدَمَ إِنَّكَ خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لِلدُّنْيَا، وَلِلْفَنَاءِ لِلْبَقَاءِ، وَلِلْمَوْتِ لِلْحَيَاةِ، وَأَنْتَ فِي قُلْعَةٍ وَدَارٍ بُلْعَةٍ، وَطَرِيقٍ إِلَى الْآخِرَةِ، وَأَنْتَ طَرِيدُ الْمَوْتِ الَّذِي لَا يَنْجُو مِنْهُ هَارِبُهُ، وَلَا يَقُوتُهُ طَالِبُهُ، وَلَا بَدَّ أَنَّهُ مُدْرِكُهُ،

(پسرم!) بدان تو برای آخرت آفریده شده ای نه برای دنیا، برای فنا نه برای بقا (در این جهان)، برای مرگ نه برای زندگی (در این دنیا) تو در منزلگاهی قرار داری که هر لحظه ممکن است از آن کوچ کنی، در سرایبی که باید زاد و توشه از آن برگیری و راه آخرت توست.

و (بدان) تو رانده شده مرگ هستی (و مرگ پیوسته در تعقیب توست و سرانجام تو را شکار خواهد کرد) همان مرگی که هرگز فرار کننده ای از آن نجات نمی یابد و هرکس را او در جستجویش باشد از دست نمی دهد و سرانجام وی را خواهد گرفت،

انسان باید مرگ را همیشه جلو چشم داشته باشد و یاد خدا باعث آرامش قلب های انسان می شود .

❖ یاد مرگ

فَكُنْ مِنْهُ عَلَى حَذَرٍ أَنْ يَدْرِكَكَ وَأَنْتَ عَلَى حَالٍ سَيِّئَةٍ، قَدْ كُنْتَ تُحَدِّثُ نَفْسَكَ مِنْهَا بِالتَّوْبَةِ، فَيَحُولَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ ذَلِكَ، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ أَهْلَكْتَ نَفْسَكَ.

بنابراین از این بترس که مرگ زمانی تو را بگیرد که در حال بدی باشی (حال گناه) در صورتی که تو پیش از فرا رسیدن مرگ با خویشتن گفتگو می کردی که توبه کنی؛ ولی مرگ میان تو و توبه حایل می شود و اینجاست که خویشتن را به هلاکت افکنده ای. سعی کنید همیشه توبه کنید که در حال مرگ در حال گناه کردن نباشید .

يَا بُنَيَّ أَكْثَرُ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ، وَذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ، وَتَقْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ، حَتَّى يَأْتِيكَ وَقَدْ أَخَذْتَ مِنْهُ حِذْرَكَ، وَشَدَّدْتَ لَهُ أَرْزَرَكَ، وَلَا يَأْتِيكَ بَعْتَهُ قَبِيْهَرَكَ.

پسرم! بسیار به یاد مرگ باش و به یاد آنچه به سوی آن می روی و پس از مرگ در آن قرار می گیری به گونه ای که هرگاه مرگ به سراغ تو آید تو خود را (از هر نظر) آماده ساخته و دامن همت را در برابر آن به کمر بسته باشی. نکند ناگهان بر تو وارد شود و مغلوبت سازد. انسان باید یاد آور مرگ در آخر باشد و همیشه جلوی چشم شخص باشد .

❖ تذذیر از دنیا پرستی

وَيَاكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا، وَتَكَاَلِيهِمْ عَلَيْهَا، فَقَدْ نَبَأَكَ اللَّهُ عَنْهَا، وَنَعَتْ هِيَ لَكَ عَنْ نَفْسِهَا، وَتَكَشَّفَتْ لَكَ عَنْ مَسَاوِيهَا،

و سخت بر حذر باش که دلبستگی ها و علاقه شدید دنیاپرستان به دنیا و حمله حریصانه آنها به دنیا، تو را نفریبد و مغرور نسازد زیرا خداوند تو را از وضع دنیا آگاه ساخته و نیز دنیا خودش از فنا و زوالش خبر داده و بدی هایش را برای تو آشکار ساخته است.

فَإِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ عَاوِيَّةٌ، وَسَبَاعٌ ضَارِيَّةٌ، يَهْرُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ، وَيَأْكُلُ عَزِيْزُهَا ذَلِيْلَهَا، وَيَقْهَرُ كَبِيْرُهَا صَغِيْرَهَا. نَعَمْ مُعَقَّلَةٌ، وَأُخْرَى مُهْمَلَةٌ، قَدْ أَضَلَّتْ عَقُولُهَا، رَكِبَتْ مَجْهَوْلُهَا. سُرُوحٌ عَاهَةٌ يُوَادُّ وَعْثَ، لَيْسَ لَهَا رَاعٌ يَقِيْمُهَا، وَلَا مُسِيْمٌ يَسِيْمُهَا.

جز این نیست که دنیاپرستان همچون سگ هایی هستند که پیوسته واق واق می کنند (و برای تصاحب جیفه ای بر سر یکدیگر فریاد می کشند) یا درندگانی که در پی دریدن یکدیگرند، در برابر یکدیگر می غرند، و زوزه می کشند، زورمندان، ضعیفان را می خورند و

بزرگ ترها کوچک ترها را مغلوب می سازند یا همچون چهارپایانی هستند که دست و پایشان (به وسیله مستکبران) بسته شده (و بردگان سرسپرده آنهایند) و گروه دیگری همچون حیواناتی هستند رها شده در بیابان (شهوات) عقل خود را گم کرده (و راه های صحیح را از دست داده اند) و در طرق مجهول و نامعلوم گام گذارده اند. آنها همچون حیواناتی هستند که در وادی پر از آفتی رها شده و در سرزمین ناهمواری به راه افتاده اند نه چوپانی دارند که آنها را به راه صحیح هدایت کند و نه کسی که آنها را به چراگاه مناسبی برساند.

سَلَكْتُ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعَمَى وَأَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَنْ مَنَارِ الْهُدَى، فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا، وَغَرَّقُوا فِي نِعَمَتِهَا وَاتَّخَذُوهَا رَبًّا، فَلَعِبَتْ بِهِمْ لَعِبُوا بِهَا، وَنَسُوا مَا وَرَاءَهَا.

دنیا آنان را در طریق نابینایی به راه انداخته و چشم هایشان را از دیدن نشانه های هدایت برگرفته، در نتیجه در وادی حیرت سرگردانند و در نعمت ها و زرق و برق های دنیا غرق شده اند، دنیا را به عنوان معبود خود برگزیده، و دنیا نیز آنها را به بازی گرفته است و آنها هم به بازی با دنیا سرگرم شده اند و ماورای آن را به فراموشی سپرده اند.

دنیا پرستی از جمله صفات اخلاقی مذمومی است که در سخن اولیا الله همواره از آن برحذر داشته شده ایم، هرچند حضرت امیرالمومنین همچون سایر مقربین درگاه الهی از تلاش برای کسب رزق حلال دوری نمی جست اما از دنیاپرستی و حرص بر گردآوری مال مارا برحذر می دارد.

❖ صبر در راه حقیقت

رَوَيْدًا يَسْفِرُ الظَّلَامَ، كَأَنَّ قَدْ وَرَدَتِ الْأَسْعَانُ، يُوْشِكُ مَنْ أَسْرَعَ أَنْ يُلْحَقَ!

آرام باش (و کمی صبر کن) که به زودی تاریکی برطرف می شود (و حقیقت آشکار می گردد) گویا این مسافران، به منزل رسیده اند (و پایان عمر را با چشم خود می بینند). نزدیک است کسی که سریع حرکت می کند به منزلگاه (مرگ) برسد.

اولیا الله بخاطر بهره بردن از سرچشمه های فیض الهی، بر حقیقت امور آگاه بوده اند، با این وجود حضرت علی (ع) فرزند خود و تمامی کسانی که نامه به دست شان می رسد را به آرامش دعوت می کنند و این نوید را می دهند که حقیقت آشکار شدنی است، همانطور که خدای متعال نیز بیان داشته «جا الحق و زهق الباطل».

❖ توجه به گذر زمان

وَأَعْلَمُ يَا بَنِيَّ أَنْ مَنْ كَانَتْ مَطِيلَتُهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، فَإِنَّهُ يَسَارُ بِهِ وَإِنْ كَانَ وَقِافاً، وَيَقْطَعُ الْمَسَافَةَ وَإِنْ كَانَ مُقِيماً وَادِعاً.

پسرم بدان آن کس که مرکبش شب و روز است، او را می‌برند و در حرکت است، هرچند خود را ساکن پندارد و پیوسته قطع مسافت می‌کند، گرچه ظاهراً ایستاده است و استراحت می‌کند.

حضرت در این فراز از نامه ارزشمند خود به مفهوم زمان و گذرا بودن آن اشاره نموده و یادآور استفاده بهینه از زمان می‌شوند چرا که زمان منتظر کسی نمی‌ماند.

❖ گذرا بودن زندگی

وَأَعْلَمُ يَقِيناً أَنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمْلَكَ، وَلَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ، وَأَنَّكَ فِي سَبِيلٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ. و به یقین بدان هرگز به همه آرزوهای دست نخواهی یافت و (نیز بدان) هرگز از اجلت تجاوز نخواهی کرد (و بیش از آنچه مقرر شده عمر نمی‌کنی) و تو در همان مسیری هستی که پیشینیان تو بودند (آنها رفتند و تو هم خواهی رفت)

در ادامه گذرا بودن زمان، حضرت کوتاه بودن زندگی را یادآور شده و بیان می‌کنند که هرفرد مدت معینی در این دنیا زمان دارد تا با تلاش به خواسته های خود برسد.

❖ توصیه به میانه روی

فَخَفِضْ فِي الطَّلَبِ. وَأَجْمِلْ فِي الْمُكْتَسَبِ، فَإِنَّهُ رَبَّ طَلَبَ قَدْ جَرَّ إِلَى حَرْبٍ؛ فَلَيْسَ كُلُّ طَالِبٍ بِمَرْزُوقٍ، وَلَا كُلُّ مُجْمِلٍ بِمَحْرُومٍ.

حال که چنین است، در به دست آوردن دنیا زیاده روی مکن و در کسب و کار میانه رو باش، زیرا بسیار دیده شده که تلاش فراوان (در راه دنیا) به نابودی منجر گردیده (اضافه بر این) نه هر تلاش گری به روزی رسیده و نه هر شخص میانه روی محروم گشته است.

در ادامه داشتن زمان مشخص و محدود، حضرت توصیه به گوشه نشینی نکرده و فرزند خود را تشویق به تلاش می‌کنند و تنها توصیه می‌کنند در این مسیر میانه رو باش.

❖ عزت نفس

وَأَكْرِمْ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَأَقْتِكَ إِلَى الرِّغَائِبِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضاً. وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرّاً.

نفس خویش را از گرایش به هر پستی گرامی‌دار (و بزرگوarter از آن باش که به پستی‌ها تن در دهی) هرچند گرایش به پستی‌ها تو را به خواسته‌هایت برساند، زیرا تو هرگز نمی‌توانی در برابر آنچه از شخصیت خود در این راه از دست می‌دهی بهای مناسبی به دست آوری و برده دیگری مباش، خداوند تو را آزاد آفریده است.

عزت نفس یکی از مفاهیم روان شناختی است که صاحب نظران بسیاری در حوزه تربیت بر روی آن و تاثیراتش بر زندگی فرد به ویژه در دوران نوجوانی و جوانی تاکید دارند، حضرت علی (ع) در این فراز از نامه به این مفهوم اشاره نموده و آن را عاملی در سعادت بشر می دانند.



وَمَا خَيْرُ خَيْرٍ لَّيْنَالُ إِلَّا بَشَرٌ، وَيَسَّرُ لَّيْنَالُ إِلَّا بِعُسْرٍ.
آن نیکی که جز از طریق بدی به دست نیاید نیکی نیست و آن آسایشی که جز با مشقت زیاد فراهم نشود آسایش نیست.

این فراز از نامه حضرت نیاز به تعمق داشته و اندیشیدن در امور را یادآور می شود اینکه در ابتدا به همه جوانب امور فکر کنیم تا در انتها انگشت حسرت به دندان نگیریم.

❖ دوری از حرص

وَيَاكَ أَنْ تُوَجِّفَ بِكَ مَطَايَا الطَّمَعِ، فَتُورِدَكَ مَنَاهِلَ الْهَلَكَةِ. وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَكُونَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ ذُو نِعْمَةٍ فَافْعَلْ، فَإِنَّكَ مُدْرِكٌ قَسَمِكَ، وَأَخَذَ سَهْمَكَ، وَإِنْ أَلْسِيسَ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْظَمُ وَأَكْرَمُ مِنَ الْكَثِيرِ مِنْ خَلْقِهِ وَإِنْ كَانَ كُلُّ مِنْهُ.

بپرهیز از اینکه مرکب های طمع، تو را با سرعت با خود ببرند و به آبشخورهای هلاکت بیندازند و اگر بتوانی که میان تو و خداوندت، صاحب نعمتی واسطه نباشد چنین کن، زیرا تو (به هر حال) قسمت خود را دریافت می کنی و سهمت را خواهی گرفت و مقدار کمی که از سوی خداوند به تو برسد با ارزش تر است از مقدار زیادی که از سوی مخلوقش برسد، هرچند همه نعمت ها (حتی آنچه از سوی مخلوق می رسد) از ناحیه خداست.

حرص و طمع از جمله خصائل مذموم بشری است که همواره مورد نکوهش بوده و همواره هشدار لغزش به سمت آن از سوی اولیاءالله به بشر منتقل شده است، حضرت امیر در این بخش نامه حرص را به مرکبی تشبیه نموده اند که می تواند افسار گسیخته بوده و فرد را به هلاکت برساند.

❖ لزوم مراقبت از سخن

وَتَلَاْفِيكَ مَا قَرَطَ مِنْ صَمْتِكَ أَيْسَرُ مِنْ إِدْرَاكِكَ مَا قَاتَ مِنْ مَنْطِقِكَ، وَحِفْظُ مَا فِي الْوَعَاءِ بِشِدِّ الْوُكَاءِ، وَحِفْظُ مَا فِي يَدِيكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ طَلَبِ مَا فِي يَدِي غَيْرِكَ.

(فرزندم!) جبران آنچه بر اثر سکوت خود از دست داده ای آسان تر از جبران آن است که بر اثر سخن گفتن از دست می رود، و نگه داری آنچه در ظرف است با محکم بستن دهانه آن

امکان پذیر است و حفظ آنچه در دست داری، نزد من محبوبتر از درخواست چیزی است که در دست دیگری است.

حضرت علی (ع) در سخن دیگری نیز فرموده اند که سخن در بند توسل تا آن را به زبان نیاورده ای و چون به زبان بیاوری تو در بندانی. از این روی تأمل در آنچه بناست بیان کنیم از جمله آموزه های ارزشمند حضرت است.

❖ قناعت

وَمَرَارَةُ الْيَأْسِ خَيْرٌ مِنَ الطَّلَبِ إِلَى النَّاسِ، وَالْحِرْفَةُ مَعَ الْعِفَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ الْفُجُورِ، وَالْمَرْءُ أَحْفَظُ لِسِرِّهِ، وَرُبَّ سَاعٍ فِيمَا يَضُرُّهُ!

تلخی یأس (از آنچه در دست مردم است) بهتر است از دراز کردن دست تقاضا به سوی آنها و درآمد (کم) همراه با پاکی و درست کاری بهتر از ثروت فراوان توأم با فجور و گناه است و انسان اسرار خویش را (بهتر از هر کس دیگر) نگه داری می کند و بسیاریند کسانی که بر زبان خود تلاش می کنند.

در ادبیات فارسی نیز مشابه سخن حضرت امیر را داریم: «هرکس دست نیاز کند به سوی خلق دراز پل می زند که ببرد آبروی خویش». حضرت با اشاره به مفهوم قناعت یادآور می شوند که نباید در هنگام سختی از دیگران تقاضا نمود، اگر این امر را در کنار تلاش برای روزی حلال و نیز میانه روی قرار دهیم، بستری برای فرد فراهم می شود که در تلاش برای کسب روزی است و چون میانه رواست به اندازه نیاز تلاش می کند و می خواهد، به اندازه خرج کرده و هیچ گاه محتاج خلق نمی شود.

❖ پرهیز از شرارت

مَنْ أَكْثَرَ أَهْجَرَ، وَمَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ. قَارِنْ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ، وَبَارِنْ أَهْلَ الشَّرِّ تَبِنْ عَنْهُمْ، کسی که پرحرفی کند سخنان ناروا و بی معنا فراوان می گوید. هر کس اندیشه خود را به کار گیرد حقایق را می بیند و راه صحیح را انتخاب می کند. به نیکوکاران و اهل خیر نزدیک شو تا از آنها شوی و از بدکاران و اهل شر دور شو تا از آنها جدا گردی.

این جمله می تواند یکی از آموزه های حضرت باشد که از سنین خردسالی در آموزش و تربیت به کار آید، این امر که همواره مراقب باشیم که با چه کسانی هم نشین و محشوریم چرا که خصایل اخلاقی آن ها در ما نیز اثر می کند.

❖ مراقبت بر اعمال

بِئْسَ الطَّعَامُ الْحَرَامُ! وَظَلَمُ الضَّعِيفِ أَفْحَشُ الظُّلْمِ! إِذَا كَانَ الرَّفْقُ خُرْقًا كَانَ الْخُرْقُ رِفْقًا.

بدترین غذاها غذای حرام است و ستم بر ناتوان زشت‌ترین ستم هاست. در آنجا که رفق و مدارا سبب خشونت می‌شود خشونت مدارا محسوب خواهد شد؛

یکی از مسایلی که جامعه امروز هم به خاطر فشارهای روحی و روانی و عدم کنترل نفس با آن مواجه است، مساله خشونت است، حضرت با نگاه دقیق خود به خوبی به این نکته اشاره فرموده اند که باید از این امر اجتناب ورزید، این امر به ویژه در تربیت نوجوانان حائز اهمیت است چرا که آنان به علت قلیان احساسات خود ممکن است دچار خشونت گردند.

❖ قطعی نپنداشتن همه امور

رَبِّمَا كَانَ الدَّوَاءُ دَاءً، وَالِدَاءُ دَوَاءً، وَرَبِّمَا نَصَحَ غَيْرُ النَّاصِحِ، وَعَشَّ الْمُسْتَنْصَحُ.

چه بسا داروها سبب بیماری گردد و چه بسا بیماری‌هایی که داروی انسان است، گاه کسانی که اهل اندرز نیستند اندرزی می‌دهند و آن کس که (اهل اندرز است و) از او نصیحت خواسته شده خیانت می‌کند.

اعتماد داشتن به دنیا و به دیگران سبب آسودگی خیال است با این وجود همه افراد بشر در زندگی خود تجربیاتی دارند از نفیض مواردی که همیشه و به صورت عادت تکرار می‌شده اند به طور مثال ممکن است یک ماده غذایی که برای یک نفر مفید است برای دیگری مضر بوده و یا حتی یک فرد به صورت ناگهانی به یک ماده حساسیت پیدا کند؛ همچنین در مواردی پیش آمده که فرد از نزدیکان مورد اعتماد خود نیز خیانت دیده و مورد جفا قرار گرفته است، از این روی یادآوری این نکات به فرزندان و نوجوانان و جوانان می‌تواند برای آنان روشنگر بوده و بدانند که در این جهان همه چیز قطعی و همیشگی نیست.

❖ لزوم بکارگیری تعقل

وَإِيَّاكَ وَالْإِتِّكَالَ عَلَى الْمُنَى فَإِنَّهَا بَضَائِعُ النَّوْكَى وَالْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ، وَخَيْرُ مَا جَرَّبْتَ مَا وَعَظَكَ. بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غَصَّةً. لَيْسَ كُلُّ طَالِبٍ يَصِيبُ، وَلَا كُلُّ غَائِبٍ يُؤُوبُ.

از تکیه کردن بر آرزوها برحذر باش که سرمایه احمق‌ها است. عقل، حفظ و نگهداری تجربه هاست و بهترین تجربه‌های تو آن است که به تو اندرز دهد، فرصت را پیش از آنکه از دست برود و مایه اندوه گردد غنیمت بشمار. نه هرکس طالب چیزی باشد به خواسته‌اش می‌رسد و نه هرکس که از نظر پنهان شد باز می‌گردد.

رویا پردازی و خیال بافی نیز یکی از آسیب های زندگی بشر است، این امر اگر در دوران نوجوانی و جوانی اتفاق افتد و به نحوی باشد که مانع تلاش فرد شود آینده وی را تباه می سازد.

❖ پرهیز از لجاجت

وَمِنَ الْفَسَادِ إِضَاعَةُ الزَّادِ، وَمَفْسَدَةُ الْمَعَادِ. وَلِكُلِّ أَمْرٍ عَاقِبَةٌ، سَوْفَ يَأْتِيكَ مَا قُدِّرَ لَكَ. التَّاجِرُ مُخَاطِرٌ، وَرَبِّ يَسِيرِ أُنْمَى مِنْ كَثِيرٍ! لَاحِيزٌ فِي مُعِينٍ مَهِينٍ، وَلَا فِي صَدِيقٍ ظَنِينٍ. سَاهِلِ الدَّهْرِ مَا ذَلَّ لَكَ قَعُودُهُ، وَلَا تُخَاطِرْ بِشَيْءٍ رَجَاءَ أَكْثَرِ مِنْهُ، وَإِيَّاكَ أَنْ تَجْمَعَ بَكَ مَطِيئَةَ اللَّجَاجِ. تباه کردن زاد و توشه نوعی فساد است و سبب فاسد شدن معاد. هر کاری سرانجامی دارد (و باید مراقب سرانجام آن بود). آنچه برای ت مقدر شده به زودی به تو خواهد رسید. هر بازرگانی خود را به مخاطره می اندازد. (همواره دنبال فزونی مباش زیرا) چه بسا سرمایه کم از سرمایه زیاد پربرکت تر و رشدش بیشتر است. نه در کمک کار پست خیری است و نه در دوست متهم فایده ای، تا روزگار در اختیار توست به آسانی از آن بهره گیر و هیچ گاه نعمتی را که داری برای آنکه بیشتر به دست آوری به خطر مینداز. از سوار شدن بر مرکب سرکش لجاجت بر حذر باش که تو را بیچاره می کند.

گاهی علیرغم هشدار های دیگران معتمد، فرد همچنان بر خواسته خود پای می فشرد و به قول حضرت نعمت را تباه می سازد، این امر را حضرت به گونه دیگری نیز بیان فرموده اند آنجا که بیان کرده اند «هرکس نصیحت را ارزان نبرد لاجرم پشیمانی را گران می خرد».

❖ صله رحم

إِحْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ أُخِيكَ عِنْدَ صَرَمِهِ عَلَى الصَّلَةِ، وَعِنْدَ صُدُودِهِ عَلَى اللَّطْفِ وَالْمُقَارَبَةِ، وَعِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبَذْلِ، وَعِنْدَ تَبَاعُدِهِ عَلَى الدَّنْوِ، وَعِنْدَ شِدَّتِهِ عَلَى اللَّيْنِ، وَعِنْدَ جُرْمِهِ عَلَى الْعُذْرِ، حَتَّى كَأَنَّكَ لَهُ عَبْدٌ، وَكَأَنَّهُ ذُو نِعْمَةٍ عَلَيْكَ وَإِيَّاكَ أَنْ تَضَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ، أَوْ أَنْ تَفْعَلَهُ بِغَيْرِ أَهْلِهِ.

(فرزندم!) در مقابل برادر دینی خود (این امور را بر خود تحمیل کن:) به هنگام قطع رابطه از ناحیه او، تو پیوند برقرار نما و در زمان قهر و دوریش به او نزدیک شو، در برابر بخشش، بذل و بخشش و به وقت دوری کردنش نزدیکی اختیار کن، به هنگام سخت گیریش نرمش و به هنگام جرم، عذرش را بپذیر، آن گونه که گویا تو بنده او هستی و او صاحب نعمت

توست؛ اما بر حذر باش از اینکه این کار را در غیر محلش قرار دهی یا درباره کسی که اهلیت ندارد به کار بندی.

یکی از آسیب های زندگی مدرن قطع رحم است و دوری از خویشان، این امر به ویژه در بین نوجوانان و جوانان شایع است چرا که به زعم جامعه شناسان مدرنیته سبب فردگرایی شده و فرد گرایی عامل قطع رحم است.

❖ دوستیابی

لَا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقَكَ صَدِيقًا فِتْعَادِي صَدِيقَكَ، وَأَمْحَضُ أَخَاكَ النَّصِيحَةَ، حَسَنَةً كَانَتْ أَوْ قَبِيحَةً،

هرگز دشمن دوست خود را به دوستی مگیر که با این کار به دشمنی با دوست خود برخاسته ای. نصیحت خالصانه خود را برای برادرت مهیا ساز، خواه این نصیحت (برای او) زیبا و خوشایند باشد یا زشت و ناراحت کننده.

یکی از عرصه های مهم زندگی معاشرت با دیگران است، فراگرفتن شیوه های معاشرت و حدود روابط جزو ضروریات است، حضرت به درستی بیان کرده اند که دوستی با دشمنف دشمنی با خود است.

❖ کظم غیظ

وَجَرَّعَ الْغَيْظَ فَإِنِّي لَمْ أَرْ جُرْعَةً أَحْلَى مِنْهَا عَاقِبَةً، وَلَا أَلَذَّ مَعْبَةً.

خشم خود را جرعه جرعه فرو بر که من جرعه ای شیرین تر و خوش عاقبت تر و لذت بخش تر از آن ندیدم.

وَلِنْ لِمَنْ غَالَطَكَ، فَإِنَّهُ يُوْشِكُ أَنْ يَلِيْنَ لَكَ، وَخُذْ عَلَى عَدُوِّكَ بِالْفَضْلِ فَإِنَّهُ أَحْلَى الظَّفَرَيْنِ. وَإِنْ أَرَدْتَ قَطِيعَةً أَخِيكَ فَاسْتَبِقْ لَهُ مِنْ نَفْسِكَ بَقِيَّةً يَرْجِعُ إِلَيْهَا إِنْ بَدَأَ لَهُ ذَلِكَ يَوْمًا مَا. وَمَنْ ظَنَّ بِكَ خَيْرًا فَصَدِّقْ ظَنَّهُ.

با کسی که نسبت به تو با خشونت رفتار می کند نرمی کن که امید می رود به زودی در برابر تو نرم شود. با دشمن خود با فضل و کرم رفتار کن که در این صورت از میان دو پیروزی (پیروزی از طریق خشونت و پیروزی از طریق محبت) شیرین ترین را برگزیده ای. اگر خواستی پیوند برادری و رفاقت را قطع کنی جایی برای آشتی بگذار که اگر روزی خواست باز گردد بتواند. کسی که درباره تو گمان نیکی ببرد با عمل خود گمانش را تصدیق کن.

بسیار پیش آمده که در هنگام عصبانیت رفتاری مرتکب شده و یا سخنی گفته ایم که بعداً از آن پشیمان شده ایم اما این پشیمانی سودی ندارد و حتی گاهی موجب بروز عواقب بدتری می شود.

❖ مراقبت از دوستی

وَلَا تُضِيعَنَّ حَقَّ أُخِيكَ اتِّكَالاً عَلَى مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ، فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ أَضَعْتَ حَقَّهُ.
هیچ گاه به اعتماد رفاقت و یگانگی که میان تو و برادرت برقرار است حق او را ضایع مکن؛ زیرا آن کس که حقش را ضایع کنی برادر تو نخواهد بود.
معاشرت با دیگران مستلزم آدابی است و این آداب آموختنی است، از این روی حضرت به بیان یکی از این آداب یعنی ضایع نکردن حقوق دوستان اشاره نموده اند.
❖ دوستی با افراد شایسته

وَلَا يَكُنْ أَهْلُكَ أَشَقَى الْخَلْقِ بِكَ، وَلَا تَرَعَبَنَّ فِيمَنْ زَهَدَ عَنْكَ، وَلَا يَكُونَنَّ أَخُوكَ أَقْوَى عَلَى قَطِيعَتِكَ مِنْكَ عَلَى صَلَّتِهِ،
نباید خاندان تو بدبخت‌ترین و ناراحت‌ترین افراد در برابر تو باشند. به کسی که به تو علاقه ندارد (و بی‌اعتنایی یا تحقیر می‌کند) اظهار علاقه مکن و نباید برادرت در قطع پیوند برادری، نیرومندتر از تو در برقراری پیوند باشد و نه در بدی کردن قوی‌تر از تو در نیکی نمودن

بسیار پیش می آید که افراد علاقمند به معاشرت با افرادی هستند که علاقه ای از سوی آنها وجود ندارد، این امر به ویژه در دوران جوانی و جوانی اتفاق می افتد، این نکته می تواند به عنوان یک راهنمای خوب دوستیابی مطرح گردد.

❖ ناراحت نشدن از بدرفتاری دیگران

وَلَا تَكُونَنَّ عَلَى الْإِسَاءَةِ أَقْوَى مِنْكَ عَلَى الْإِحْسَانِ. وَلَا يَكْبُرَنَّ عَلَيْكَ ظُلْمٌ مَنْ ظَلَمَكَ، فَإِنَّهُ يَسْعَى فِي مَضْرَّتِهِ وَنَفْعِكَ، وَلَيْسَ جَزَاءُ مَنْ سَرَّكَ أَنْ تَسُوَّهُ.
و هرگز نباید ظلم و ستم کسی که بر تو ستم روا می‌دارد بر تو گران آید، زیرا او در واقع سعی در زیان خود و سود تو دارد (بار گناه خود را سنگین می‌کند و ثواب و پاداش تو را افزون می‌سازد) و البته پاداش کسی که تو را خوشحال می‌کند این نیست که به او بدی کنی.

در بسیاری موارد پیش می آید که از رفتار دیگران ناراحت می شویم و این ناراحتی حتی موجب دلسردی ما شده و ما را از انجام فعالیت های دیگر نیز باز می دارد، حضرت می فرمایند نباید از این رفتارها ناراحت شد حتی مژده می دهند که این رفتار ناپسند دیگران موجب کاستن از بار گناه ما نیز می شود و در مقابل گاهی خودمان نیز با دیگرانی که در حق ما جورو جفا نکرده اند، بدرفتاری می کنیم، این امر نیز از نظر حضرت ناپسند است و توصیه به مراقبت از انجام این کار کرده اند.

❖ توجه به معاش

وَأَعْلَمُ يَا بُنَيَّ أَنَّ الرِّزْقَ رِزْقَانِ: رِزْقٌ تَطْلُبُهُ، وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ، فَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ. پسر من! بدان که «رزق و روزی» بر دو گونه است: یک نوع آن است که به جستجوی آن برمی خیزی (و باید برخیزی) و نوع دیگری آن که او به سراغ تو خواهد آمد حتی اگر به دنبالش نیروی خود به دنبال تو می آید.

کسب روزی حلال نه تنها در دین اسلام مذموم و نکوهیده نبوده که حتی مورد تأکید نیز قرار گرفته در این خصوص حضرت به فرزند خود و به تمامی کسانی که نامه ایشان به دست شان می رسد، می فرمایند که باید به دنبال روزی حلال بود، همچنین از رزقی سخن به میان می آورند که خودش به دنبال فرد می آید، این بخش می تواند موحبات دلگرمی افراد را به ویژه در شرایط اقتصادی نابسامان امروزی فراهم آورد.

❖ پرهیز از تغییرات احوال

مَا أَقْبَحَ الْخُضُوعَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَالْجَفَاءَ عِنْدَ الْغِنَى. إِنَّمَا لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ، مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَثْوَاكَ، وَإِنْ كُنْتَ جَاذِعًا عَلَى مَا تَقَلَّتْ مِنْ يَدَيْكَ، فَاجْزَعْ عَلَى كُلِّ مَا لَمْ يَصِلْ إِلَيْكَ.

چه زشت است خضوع (در برابر دیگران) به هنگام نیاز و جفا و خشونت به هنگام بی نیازی و توانگری، تنها از دنیا آنقدر مال تو خواهد بود که با آن سرای آخرت را اصلاح کنی و اگر قرار است برای چیزی که از دست رفته ناراحت شوی و بی تابی کنی پس برای هر چیزی که به تو نرسیده نیز ناراحت باش.

یکی از ویژگی هایی که نشان از پختگی و بلوغ رفتاری دارد، ثبات اخلاق و رفتار در هر شرایطی است، حضرت با اذعان به این نکته از تغییر رفتار در شرایط مختلف افراد را برحذر می دارند.

❖ درس گرفتن از پند ها

اِسْتَدْبَلَ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ، فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ؛ وَلَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ إِلَّا إِذَا بَالَغْتَ فِي إِبْلَامِهِ، فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعِظُ بِالْأَدَابِ الْبِهَائِمِ لَا تَتَعِظُ إِلَّا بِالضَّرْبِ.

با آنچه در گذشته واقع شده، نسبت به آنچه واقع نشده استدلال کن؛ زیرا امور جهان شبیه به یکدیگرند. از کسانی مباش که پند و اندرز به آنها سودی نمی بخشد مگر آن زمان که در ملامت او اصرار ورزی؛ چرا که عاقلان با اندرز و آداب پند می گیرند؛ ولی چهارپایان جز با زدن اندرز نمی گیرند.

حضرت علی (ع) به فرزند خود و به تمام کسانی که نامه ایشان را می خوانند توصیه می کنند که از پندها عبرت گیرند، اگر در تربیت فرزندان به آنها بیاموزیم که از پند ها استفاده نمایند دیگر نیازی به آزمودن بسیاری امور نداشته و بسیاری وقایع نامطلوب برای شان اتفاق نمی افتد.

❖ دوست و همنشین

اِطْرَحْ عَنْكَ وَارِدَاتِ الْهُمُومِ بِعَزَائِمِ الصَّبْرِ وَحُسْنِ الْيَقِينِ. مَنْ تَرَكَ الْقَصْدَ جَارًا، وَالصَّاحِبَ مُنَاسِبًا، وَالصَّدِيقَ مَنْ صَدَقَ غَيْبُهُ. الْهُوَى شَرِيكَ الْعَمَى وَ رَبٌّ بَعِيدٌ أَقْرَبُ مِنْ قَرِيبٍ، وَقَرِيبٌ أَبْعَدُ مِنْ بَعِيدٍ، وَالْغَرِيبُ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَبِيبٌ.

هجوم اندوه و غم ها را با نیروی صبر و حسن یقین از خود دور ساز. کسی که میانه روی را ترک کند از راه حق منحرف می شود. (و بدان) یار و همنشین (خوب) همچون خویشاوند انسان است. دوست آن است که در غیاب انسان، حق دوستی را ادا کند. هواپرستی شریک و همتای نابینایی است. چه بسا دور افتادگانی که از خویشاوندان نزدیک تر و خویشاوندانی که از هرکس دورترند. غریب کسی است که دوستی نداشته باشد.

حضرت بر اجتماعی بودن انسان صحنه گذاشته و نیاز به داشتن رفیق و همنشین را گوشزد شده اند، با این وجود همانطور که گفته شد برای دوستی آدابی نیاز است و یکی از این آداب انتخاب دوست شایسته است.

❖ انس و الفت با خدا

مَنْ تَعَدَّى الْحَقَّ صَاقَ مَذْهَبِهِ، وَمِنْ اقْتَصَرَ عَلَى قَدَرِهِ كَانَ أَبْقَى لَهُ. وَأَوْثَقُ سَبَبٍ أَخَذْتَ، بِهِ سَبَبٌ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. وَمَنْ لَمْ يِبَالِكْ فَهُوَ عَدُوٌّ. قَدْ يَكُونُ الْيَأْسُ إِدْرَاكًا، إِذَا كَانَ الطَّمَعُ هَلَاكًا.

آن کس که از حق تجاوز کند در تنگنا قرار می گیرد. و آن کس که به ارزش و قدر خود اکتفا نماید موقعیتش پایدارتر خواهد بود. مطمئن ترین وسیله ای که می توانی به آن چنگ زنی آن است که میان تو و خدایت رابطه ای برقرار سازی . کسی که به (کار و حق) تو اهمیت نمی دهد در واقع دشمن توست. گاه نومییدی نوعی رسیدن به مقصد است، در آنجا که طمع موجب هلاکت می شود.

بهترین انیس و مونس بشر خداوند متعال است، مخصوصا زمانی که مصائب و سختی ها هجوم می آورند، در تربیت فرزندان باید کوشید تا این الفت برقرار و مستحکم گردد.

❖ لزوم درایت در امور

لَيْسَ كُلُّ عَوْرَةٍ تَظْهَرُ، وَلَا كُلُّ فُرْصَةٍ تُصَابُ، وَرَبَّمَا أَخْطَأَ الْبَصِيرُ قَصْدَهُ، وَأَصَابَ الْأَعْمَى رُشْدَهُ. أَخِرُ الشَّرِّ فَإِنَّكَ إِذَا شِئْتَ تَعَجَّلْتَهُ، وَقَطِيعَةُ الْجَاهِلِ تَعْدِلُ صِلَةَ الْعَاقِلِ.

چنان نیست که هر عیب پنهانی آشکار شود. و نه هر فرصتی مورد استفاده قرار گیرد . گاه می شود که شخص بینا به خطا می رود و نابینا به مقصد می رسد. بدی را به تأخیر بیفکن (و در آن عجله مکن) زیرا هر زمان بخواهی می توانی انجام دهی. بریدن از جاهل معادل پیوند با عاقل است .

در تربیت فرزندان باید به آنان آموخت قبل از هر کاری بیندیشند و تدبیر نمایند و تا حد امکان از فرصتهای زندگی استفاده نمایند برای این امر به توصیه حضرت باید از جاهلان دور و با عاقلان معاشرت نمود.

❖ لزوم تعقل

مَنْ أَمِنَ الزَّمَانَ خَانَهُ، وَمَنْ أَعْظَمَهُ أَهَانَهُ. لَيْسَ كُلُّ مَنْ رَمَى أَصَابَ. إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ. سَلِّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ، وَعَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ . إِيَّاكَ أَنْ تَذْكُرَ مِنَ الْكَلَامِ مَا يَكُونُ مُضْحِكًا، وَإِنْ حَكَيْتَ ذَلِكَ عَنْ غَيْرِكَ.

کسی که خود را از حوادث زمان ایمن بداند زمانه به او خیانت خواهد کرد و کسی که آن را بزرگ بشمارد او را خوار می سازد. چنین نیست که هر تیراندازی به هدف بزند. هرگاه حاکم تغییر پیدا کند زمانه نیز دگرگون می شود. پیش از عزم سفر ببین که هم سفر کیست و پیش از انتخاب خانه بنگر که همسایهات چه کسی است؟ از گفتن سخنان خنده آور (و بی محتوا) بپرهیز هر چند آن را از دیگری نقل کنی .

تدبیر در امور عاملی است که ناجی فرد از پشیمانی است، اعتماد به نفس اگرچه امری مطلوب است اما باید همواره به جنبه های پیش بینی ناپذیر امور اندیشید و آگاه بود برخی نکات در هر برنامه ریزی ممکن است در عمل اتفاق نیفتد. آموختن این نکته ارزشمند به فرزندان به ویژه در زمان بی تجربه‌گی آن‌ها از ضروریات تربیت است.

❖ لزوم حجاب برای زنان

وَإِيَّاكَ وَمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنْ رَأَيْهِنَّ إِلَى أَفْنٍ، وَعَزَمَهُنَّ إِلَى وَهْنٍ، وَاكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ،

از مشاوره با زنان (کم خرد) بپرهیز که رأی آنها ناقص و تصمیمشان سست است و از طریق حجاب، دیده آنها را از دیدن مردان بیگانه باز دار، زیرا تأکید بر حجاب، آنها را سالم‌تر و پاک‌تر نگاه خواهد داشت.

وَلَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوَثِّقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ، وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفْنَ غَيْرَكَ فَأَفْعَلْ.

(افراد غیر مطمئن را بر آنها وارد نکن زیرا) بیرون رفتن آنها بدتر از آن نیست که افراد غیر مطمئن را به آنها راه دهی. اگر بتوانی که آنها غیر از تو (از مردان بیگانه) دیگری را نشناسند چنین کن

وَلَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ، لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ.

و به زن بیش از کارهای خودش را وامگذار، زیرا او همچون شاخه گل است نه قهرمان و مسلط بر امور.

از نگاه حضرت حجاب امری است که برای سلامت زنان ضروری است با این وجود از این فراز حضرت می‌توان پی برد حجاب، عدم اختلاط به ویژه اختلاط بی فایده نیز هست.

❖ غیرتی نشدن بیجا

وَلَا تَعْدُ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا، وَلَا تُطْمِعْهَا فِي أَنْ تُشْفَعَ لِعَافِيهَا. وَإِيَّاكَ وَالتَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَالْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ.

به خاطر احترام او، دیگری را (بیگانه‌ای را) احترام مکن و احترامش را به حدی نگه‌دار که او را به این فکر نیندازد که برای دیگران (بیگانگان) شفاعت کند. برحذر باش از اینکه در جایی که نباید غیرت به خرج دهی، اظهار غیرت کنی (و کار تو به سوء ظن ناروا بینجامد) زیرا این غیرت بی‌جا و سوء ظن نادرست زن پاک دامن را به ناپاکی، و بی‌گناه را به آلودگی‌ها سوق می‌دهد.

اگرچه که غیرت ورزیدن جزو خصایل پسندیده برای مردان است، اما حضرت از غیرت ورزی بیهوده برحذر داشته اند و با شناختی که از بشر داشته اند فرموده اند غیرت بی جا به سوظن نزدیک شده و سوظن می تواند بشر را به سمت آلودگی سوق دهد.

❖ لزوم توجه به زیردستان

وَأَجْعَلْ لِّكُلِّ إِنْسَانٍ مِّنْ خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذْ بِهِ، فَإِنَّهُ آخَرَىٰ أَلَّا يَتَوَكَّلُوا فِي خِدْمَتِكَ وَأَكْرِمَ .
عَشِيرَتَكَ، فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ، وَأَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ، وَيَذُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ.
(پسرم!) برای هر یک از خدمتگذارانت کار معینی قرار ده که او را در برابر آن مسئول بدانی؛ زیرا این سبب می شود که آنها کارهای تو را به یکدیگر وا نگذارند (و از زیر بار مسئولیت شانه تهی نکنند) قبيله و خویشاوندانت را گرمی دار، زیرا آنها پر و بال تواند که به وسیله آنها پرواز می کنی و اصل و ریشه تواند که به آنها باز می گردی و دست و نیروی تو که با آن (به دشمن) حمله می کنی.

اسلام عزیز، دینی است که به کرامت بشر در هر جایگاهی که باشد، توصیه کرده است، از دید حضرت امیر نیز این امر نادیده نبوده و ایشان توصیه به این امر کرده اند خواه در ارتباط با زیر دستان و خواه در ارتباط با بستگان.

❖ خواستن عاقبت بخیری از خدا

اِسْتَوْذِعِ اللَّهَ دِينَكَ وَدُنْيَاكَ، وَاسْأَلْهُ خَيْرَ الْقَضَاءِ لَكَ فِي الْعَاجِلَةِ وَالْآجِلَةِ، وَالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَالسَّلَامُ.

دین و دنیایت را نزد خدا به امانت بگذار و از او بهترین مقدرات را برای امروز و فردا و دنیا و آخرت بخواه و سلام بر تو.
در پایان نامه نیز حضرت بر درخواست عاقبت بخیری تأکید نموده اند و واگذاری امور به خدا.

نتیجه گیری

بهترین اصول را می توان در بهترین مکتب الهی یعنی اسلام عزیز یافت، سرچشمه های ناب معرفت در اسلام نیز همانطور که رسول الله(صلی الله علیه وآله وسلم) به مسلمین فرموده اند، ثقلین هستند، اگرچه که دسترسی به ائمه

معصومین ، مقدور نیست اما آثار گرانقدری از ایشان برجای مانده که یکی از این آثار کتاب نهج البلاغه است. کتاب شریفه نهج البلاغه دارای ابعاد گوناگون تربیتی هستند که توجه به آنها و استخراج مضامین شریف شان می تواند در تربیت نسل ها یاریگر باشد. کتاب شریف نهج البلاغه سرشار از معانی والای اسلامی است و نامه ۳۱ نهج البلاغه که در ظاهر خطاب به فرزند بزرگوارشان است، در همه اعصار و جوامع قابل عملیاتی نمودن است. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سوال اصلی « اصول تربیتی ازدید حضرت علی(علیه السلام) با تأکید بر نامه ۳۱ نهج البلاغه » کدامند؟ برای پاسخ به این سوال با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه ای به بررسی موضوع حاضر پرداخته و نتیجه گرفتیم « روش های تربیتی حضرت علی (علیه السلام) شامل «روش موعظه، روش ارائه الگو، روش محبت، روش عبرت آموزی، روش توبه، روش مراقبه و محاسبه» بوده است. در این نامه به ۲۸ نکته تربیتی مهم اشاره شده که عبارتند از «رعایت مرزهای الهی ، عبرت از گذشتگان با تأمل و تفکر در تاریخ گذشتگان دعوت به کار خیر و خوبی و دعوت به جهاد در راه خدا، تحمل سختیها و شدايد و پرورش صبر و پایداری در راه حق ، توکل و پناه وسپردن به خدا ، توجه به کسب دانش برای خدمت در راه خیر ، اولویت آشنایی با قرآن ، آموزش واجبات شرعی و مباحث حلال و حرام جهان بینی در ذهن نوجوانان ، ترس از خداوند و امید به خداوند ، آشنایی با مکتب وحی و نبوت ، اطاعت از پروردگار بی چون و چرا معرفی بهشت و جهنم رعایت حقوق دیگران و تنظیم روابط اجتماعی ، دوری از خود پسندی و فروتنی و تسلیم در اطاعت آستان قدس ربوبی ، کمک و دستگیری دیگران و اجر اخروی آن ، فرصت توبه و بازگشت به سوی او ، آشنایی با فرهنگ دعا و نتایج دعا ، یاد مرگ همواره

در زندگی، توجه به گذر زمان و از دست ندادن فرصتها، رعایت عدل و انصاف در کسب مال و زندگی، عزت نفس و آزادی، حفظ زبان و گفتار، استغنا و بی نیازی از مردم دوست داری و حفظ الفت، رعایت عدل و انصاف در کسب مال و زندگی، عزت نفس و آزادی، حفظ زبان و گفتار، استغنا و بی نیازی از مردم دوست داری و حفظ الفت، دوست داری و حفظ الفت، ادا دین و حق دوستی، ادب نه خشونت در تربیت، اهمیت دوست یابی در تربیت، دوست سازی در تربیت».

در نهایت می توان گفت: «نظام تربیت اخلاقی در نامه ۳۱ نهج البلاغه دارای چهار مؤلفه بنیادها، هدف روش ها، اصول و هاست. نظام تربیت اخلاقی در این نامه شامل چهار بنیاد توحید، ضعف آدمی، فطرت و معاد است. هدف غایی تربیت اخلاقی در نامه مذکور «تخلق به اخلاق الهی» و هدف واسطه های ای برای تحقق آن، شناخت خدا، خودسازی، تقوا، زهد، صبر، التزام به امر الهی و یاد خداوند است. اصول تربیت اخلاقی استنباط تفاوت شده از نامه مذکور شامل کرامت، های فردی، اعتدال، تعقل، تفکر و تدبر، و در نهایت روش های تربیت اخلاقی در نامه یادشده شامل تذکر، موعظه، ارایه عبرت الگو، محبت، آموزی، توبه، و مراقبه و محاسبه هستند».

منابع

- ۱- ابراهیمی، طیبیه، نشریه پویش در آموزش انسانی، [ابی جا]، ۱۳۹۷ق.
- ۲- پور طهماسبی، سیاوش، «رویکرد اسلامی در بهره گیری از رسانه های پست مدرن در تربیت دینی»، [ابی جا]، ۱۳۹۱ق.
- ۳- جمشیدی، سامره، بررسی جلوه های بلاغت در نامه ۳۱ نهج البلاغه، مازندران، ۱۳۹۳ق.
- ۴- خدایاری فرد، محمد، بررسی مسائل تربیتی و روانشناسی در نامه حضرت علی علیه السلام به فرزندش حسن بن علی علیهما السلام، [ابی جا]، ۱۳۹۴ق.

- ۵-دشتی، محمد، امام علی (ع) و مباحث تربیتی، قم: نشر مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)، ۱۳۸۵ق.
- ۶-دلشادتهرانی، مصطفی، مکتب مهر: اصول تربیت در نهج البلاغه، تهران: دریا، ۱۳۸۸ق.
- ۷-رستمی، همایون، بهشتی، سعید و ایمانی نایینی، محسن، نظام تربیت اخلاقی در نامه ۳۱ نهج البلاغه [ابی جا]، ۱۳۹۷ق.
- ۸-شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین علی (ع)، مترجم: محمد دشتی، تهران: الهادی، ۱۳۸۷ق.
- ۹-شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی مبانی و روش ها، تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۲ق.
- ۱۰-طاهریان، محمد، درس هایی از نهج البلاغه، تهران: عابد، ۱۳۸۰ق.
- ۱۱-طباطبایی، محمدحسین، المیزان، قم: مرکز نشر اسلامی، ۱۳۶۷ق.
- ۱۲-قاسمی، محمد، میزان توجه به مؤلفه های تربیتی مطرح در نامه ۳۱ امام علی (ع) در کتب درسی تعلیمات اجتماعی [ابی جا]، ۱۳۹۲ق.
- ۱۳-قرآن کریم، ترجمه: الهی قمشه ای، تهران: رشیدی، ۱۳۷۰ق.
- ۱۴-قربانی، هادی، [ابی جا]، ۱۳۹۲ق.
- ۱۵-قره داغی شیخدرآبادی، رضا، [ابی جا] ۱۳۹۴ق.
- ۱۶-قریشی کرین، سید حسن، نگاه نهج البلاغه به نوجوانان، [ابی جا]، ۱۳۸۲ق.
- ۱۷-مردانی، ایوب و محمودی، عباس، روش های تعلیم و تربیت در نامه ۳۱ نهج البلاغه امام علی (ع) به امام حسن مجتبی، [ابی جا] ۱۳۹۲ق.
- ۱۸-مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۱ق.
- ۱۹-یدالهی فر، محمد جواد، فقیهی، علیرضا، سیفی، محمد، یوسف زاده، محمدرضا، ناطقی، فائزه، اهداف و اصول تربیت معنوی بر اساس آموزه های امام علی (ع) در نهج البلاغه، [ابی جا] ۱۳۹۷ق.